

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

حقوق تجارت ۲

شامل ورشکستگی و بررسی شرکت های ماده ۲۰ قانون تجارت

تهیه: قاسم شیری

تعریف شرکتهای تجاری: قراردادی است که به موجب آن دو یا چند شخص حقیقی یا حقوقی (فقط شخص حقوقی تاجر) باهم توافق می‌کنند که آورده‌های خود را به قصد تحصیل سود مشترکاً مورد تجارت قرار دهند و این شراکت خود را در یکی از قالب‌های پیش‌بینی شده در ماده ۲۰ قانون تجارت ایجاد و به ثبت برسانند.

نکات موجود در مفردات تعریف:

- **قراردادی بودن شرکت:** قراردادی بودن، اشاره به میل و اراده دارد لذا شرکت تجاری قهری نداریم؛ اما شرکت مدنی قهری داریم مثل: ارث یا امتزاج در ماده ۵۷۴ قانون مدنی
- ماده ۵۷۱ ق.م شرکت را به این صورت تعریف کرده است: اجتماع حقوق مالکین متعدد در شیء واحد به نحو اشاعه. که **دو نوع است:**
 - به صورت **قهری** ماده ۵۷۴. امتزاج قهری یعنی مال به نحوی با هم مخلوط شده است که قابل جدا شدن نیست. مثلاً سارق، طلاهای مسروقه را به نحوی ترکیب کند که جدا شدن آن ممکن نباشد.
 - به صورت **ارادی** ماده ۵۷۳ ق.م
- **دو یا چند شخص:** در ایران شرکت تجاری تک شخص نداریم. فقط شرکتهایی که در ماده ۲۰ ق.ت احصا شده است که هیچ‌کدام تک نفره نیست.
- **آورده:** ممکن است نقدی باشد یا غیرنقدی.

در مورد آورده غیر نقدی: مثل یک دستگاه اتومبیل، باید قیمت‌گذاری (تقویم) شود. بعد از تحویل آورده به شرکت، شرکا نسبت به آورده حق عینی ندارند؛ بلکه حق دینی دارند. یعنی نمی‌توانند بعد از یک ماه، مال خود را طلب کنند. تنها در صورتی می‌توانند مال را طلب کنند که شرکت منحل شده و بدهی‌ها تسویه شده سپس از باقی‌مانده مال، به نسبت درصد طلب، بردارند. مطلب فوق (اموال بعد از تحویل متعلق به شرکت خواهد شد)، قبلاً در حقوق مدنی تحت عنوان استقلال مالی شرکت‌ها بحث شد.

سؤال: آیا آورده شرکا می‌تواند تجربه، تخصص، حق اختراع، مهارت یا ... باشد؟

آورده باید قابل تقویم باشد بنابراین: حق اختراع قابل تقویم و توقیف است ولی مهارت و تجربه و تخصص قابل تقویم و توقیف نیست بنابراین تنها حق اختراع می‌تواند به عنوان آورده در نظر گرفته شود. البته دکتر اسکینی قائل است که این موارد را نیز می‌توان جز آورده قرار داد؛ استاد حسینی سیرت می‌فرمایند آورده باید یا مال باشد یا قابل تقویم به مال. البته برای کسانی که مهارت تجربه و تخصص دارند می‌توان امتیازات بیشتری قائل بود مثلاً ۱۰ درصد سود بیشتر.

عملیات کلیه شرکت‌ها، باید تجاری باشد به استثناء ۲ مورد

۱. قانون تملک آپارتمانها ماده ۵ قانون تملک آپارتمانها مصوب ۱۳۴۳

۲. شرکتهای سهامی بازرگانی محسوب می‌شوند ولو اینکه موضوع عملیات آنها امور بازرگانی نباشد.

انواع شرکتهای

۱. تضامنی
۲. سهامی
 - ا. عام
 - ب. خاص
۳. نسبی
۴. مسئولیت محدود
۵. مختلط
 - ا. سهامی
 - ب. غیر سهامی
۶. تعاونی

ممیزات (آثار یا ویژگی‌های) شرکت تجاری

۱. اهلیت تمتع ۵۸۸ ق.ت
۲. اهلیت استیفا ۵۸۹ ق.ت
۳. استقلال مالی ۱۲۹ ق.ت
۴. اقامتگاه ۵۹۰ ق.ت و ۱۰۰۲ ق.م
۵. تابعیت ۵۹۱ ق.ت

زمان پایان اهلیت شرکت، وقتی است که کار تسویه انجام شده و شرکت منحل شده باشد که شخص حقوقی شرکت از بین می‌رود.

شرکت تضامنی

از ماده ۱۱۶ تا ماده ۱۴۰ (از ۱۳۷ تا ۱۴۰ موارد انحلال ذکر شده است)

در ماده ۱۱۶ شرکت تضامنی تعریف شده است که چهار بند دارد:

تحت اسم مخصوص - برای امور تجاری - بین دو یا چند نفر - با مسئولیت تضامنی تشکیل می‌شود. مثل صرافی‌ها که در بند ۷ از ماده ۲ نام برده شده است.

اصول حاکم بر شرکت تضامنی

اصل ۱: میزان مسئولیت شرکا در قبال دیون شرکت مطابق مواد ۱۱۶ و ۱۲۵ به صورت **تضامنی** است. تضامنی بودن مسئولیت یعنی اگر شرکت تضامنی بدهکار باشد، هر کدام از شرکا بدون در نظر گرفتن مقدار آورده در قبال کل بدهی شرکت مسئولیت دارند. البته ابتدا باید دیون شرکت از دارایی شرکت پرداخت شود.

مثال احمد ۱ میلیون، حسن ۳ میلیون و رضا ۶ میلیون آورده در شرکت تضامنی دارد. پس جمع دارایی شرکت ۱۰ میلیون است. حال اگر شرکت تضامنی صد میلیون بدهکار باشد ابتدا از روی ۱۰ میلیون دارایی دین شرکت پرداخت می‌شود. سپس هر کدام از سه نفر بالا مستقلاً بدون در نظر گرفتن آورده در قبال ۹۰ میلیون بدهی شرکت مسئولیت دارند.

نکته: حتی اگر فردی پس از بدهی شرکت در شرکت داخل شود در قبال بدهی‌ها مسئولیت تضامنی دارد؛ ماده ۱۲۵ هر قراردادی که بین شرکا برخلاف این مطلب، ترتیب داده شده باشد در مقابل اشخاص ثالث کأن لم یکن خواهد بود.

اصل ۲: در شرکت تضامنی آوردن نام حداقل یکی از شرکا در اسم شرکت ضروری است. البته ایرادی ندارد که نام شرکت مشتمل بر نام تمامی شرکا باشد. ماده ۱۱۷، مثال: شرکت تضامنی جزوه‌سازان ایرانی و شرکا! بغیر از سید!

سؤال: علت این که باید نام یکی از شرکا بیاید چیست؟

جواب: تقسیم شرکت‌های تجاری بر اساس اهمیت شخصیت شرکا

۱. **شرکت‌های شخص (اشخاص):** شخصیت شرکا اهمیت اصلی و اول را دارد مثل شرکت نسبی و تضامنی
۲. **شرکت‌های سرمایه:** در این نوع شرکت‌ها، آنچه اصالت دارد سرمایه و میزان آن است.
۳. **شرکت‌های مختلط:** اداره شرکت به عهده شرکای ضامن است. به علت مسئولیت آنان؛ و شرکای غیر ضامن حق و تکلیفی نسبت به اداره شرکت ندارند.

در شرکت‌های شخص، شرکا حق انتقال سهم الشرکه خود را ندارند و بیش از آورده خود مشغول‌اند. اما در شرکت‌های سرمایه شرکا می‌توانند سهام خود را بدون توافق سایر شرکا منتقل کنند.^۲

به همین دلیل است که آوردن نام باعث اطمینان خاطر بیشتری برای افراد که می‌خواهند با این شرکت معامله کنند می‌شود یعنی نام این شخص معتبر اطمینان را برای معامله با این شرکت بیشتر می‌کند.

اصل ۳: تشکیل شرکت تضامنی ماده ۱۱۸: ابتدا باید یک سری از مدارک از اداره ثبت شرکت‌ها اخذ و تکمیل شود. از جمله شرکت‌نامه که باید تکمیل و ارائه شود. سپس سرمایه شرکت اگر به صورت نقدی است تأدیه شده و اگر غیر نقدی است تقویم و تسلیم شده باشد. در این صورت شرکت تضامنی تشکیل است.

شرکت‌نامه به عنوان قراردادی است که فی‌مابین شرکا یک شرکت مبنی بر تشکیل شرکت به صورت کتبی و قانونی منعقد می‌گردد؛ یعنی نشان‌دهنده اراده شرکا مبنی بر تشکیل شرکت است.

مواردی که باید در شرکت‌نامه ذکر شود:

۱. موضوع شرکت
۲. سرمایه شرکت
۳. سهم الشرکه هر یک از شرکا
۴. مدیران
۵. اقامتگاه
۶. مدت شرکت (اگر بخواهیم برای شرکت یک محدوده زمانی مشخص کنیم این گونه می‌نویسیم: از تاریخ ثبت به مدت ۵ سال. اتمام مدت یکی از عوامل انحلال شرکت است. در صورتی که نخواهیم محدود به زمان کنیم این گونه می‌نویسیم: از تاریخ ثبت به مدت نامحدود)
۷. نحوه تقسیم سود. ماده ۱۱۹ ق.ت.
۸. رسیدگی به حساب‌های شرکت
۹. انحلال شرکت و مواردی مثل ۹ مورد ذکر شده.

نکته: شرکت‌های سهامی دارای اساسنامه هستند که شامل قوانین داخلی شرکت است؛ اما شرکت‌های تضامنی دارای شرکت‌نامه هستند.

اصل ۴: نحوه تقسیم سود بین شرکا به نسبت آورده شرکا می‌باشد؛ مگر در شرکت‌نامه برخلاف آن توافق صورت گرفته باشد. ماده ۱۱۹

- در مورد سود می‌تواند توافق برخلاف آورده صورت پذیرد.
- در مورد ضرر توافق برخلاف آن محل اشکال است و شرایط خاص دارد چون قواعد امری هستند.

اصل ۵: اداره امور شرکت تضامنی و میزان مسئولیت مدیر ماده ۱۲۰ و ۱۲۱ یک نفر از داخل شرکت یا از خارج (که عملاً در عالم واقع اتفاق نمی‌افتد) به سمت مدیریت شرکت انتخاب می‌شود. مسئولیت مدیر شرکت همان است که در ماده ۵۱ ق.ت. مصوب ۱۳۱۱ ذکر شده است. البته در سال ۱۳۴۷ قانون شرکت‌های سهامی جایگزین مواد ۲۱ تا ۹۳ شده است. در این مورد علاوه بر ماده ۵۱ قانون تجارت می‌توان به ماده ۲۹۹ قانون شرکت‌های سهامی نیز مراجعه نمود.

اصل ۶: تقویم آورده‌ها باید با تراضی تمام شرکا انجام شود. ماده ۱۲۲

۲. مگر در شرکت با مسئولیت محدود که رضایت اکثریت عددی که لااقل $\frac{3}{4}$ سرمایه متعلق به آن‌هاست لازم است.

اصل ۷: غیرقابل انتقال بودن سهم الشرکه (ماده ۱۲۳). یعنی شرکا نمی‌تواند سهم الشرکه را به دیگری (چه به شریک دیگر در همان شرکت و چه به شخصی خارج از شرکت) منتقل کنند؛ مگر با رضایت تمام شرکا.

اصل ۸: انحلال شرکت تضامنی ماده ۱۳۶

۱. فقرات ۱ و ۲ و ۳ ماده ۱۹۹ قانون شرکت‌های سهامی یا ۹۳ قانون تجارت

۱. وقتی که شرکت تضامنی برای انجام موضوعی تشکیل شده و آن موضوع انجام شود یا انجامش غیرممکن شود مثلاً با تصویب قانون جدید

۲. وقتی که مدت شرکت منقضی شده باشد

۳. وقتی که شرکت ورشکسته شده باشد. (زمانی شرکت ورشکسته می‌شود که حکم ورشکستگی است از دادگاه صالح صادر شده باشد ماده ۴۱۲)

۲. وقتی که تمام شرکا تراضی داشته باشند و موافق با انحلال باشند

۳. وقتی که یکی از شرکا به دلایلی درخواست انحلال شرکت را از دادگاه نماید و موجه بودن آن دلیل در دادگاه تشخیص داده شود. مثال حسین مدیر شرکت است و وظایف مدیر شرکت را به نحو احسن انجام نمی‌دهد یکی از شرکا در دادگاه انحلال شرکت را به این دلیل بخواهد. دادگاه بررسی کرده و موجه و صحیح تشخیص دهد؛ حکم به انحلال شرکت می‌دهد

۴. در صورت فسخ شرکت توسط یکی از شرکا مطابق ماده ۱۳۷ قانون تجارت.

❖ فرق بین بند ۳ و ۴: تبصره ماده ۱۳۶ است؛ در بند ۳ سایر شرکا می‌توانند از انحلال شرکت جلوگیری کنند. مثلاً با اخراج

شخص مقصر

شرایط فسخ توسط یکی از شرکا

۱. حق فسخ شرکت از شرکا در اساسنامه سلب نشده باشد.

۲. ناشی از قصد اضرار یعنی ضرر رساندن به شرکت نباشد؛ که آن را می‌توان از برخی از قرائن متوجه شد. مثلاً شخص درخواست کننده، شرکت مشاوره‌ای تشکیل داده باشد.

۳. لااقل ۶ ماه قبل به صورت کتبی به سایر شرکا اطلاع داده شود.

۴. پس از اتمام محاسبه سالانه که در اساسنامه شرکت تعیین شده به عمل بیاید.

۵. در صورت ورشکستگی یکی از شرکا مطابق ماده ۱۳۸

در حقوق ایران هیچ‌کدام از شرکای شرکت‌های تجاری به صرف اینکه شریک شرکت هستند تاجر محسوب نمی‌شوند.^۳ بنابراین ماده ۱۳۸ در فرضی است که یکی از شرکا، تاجر (چه شخص حقیقی چه شخص حقوقی) باشد.

فرایند صدور حکم ورشکستگی

احمد کارخانه‌دار است ← مواد اولیه خرید می‌کنند ← چک صادر می‌کند ← توان تأدیه ندارد ← دارنده چک به بانک مراجعه می‌کند ← گواهینامه عدم پرداخت می‌گیرد ← درخواست ورشکستگی می‌کند ← دادگاه، احمد کارخانه‌دار را متوقف اعلام و حکم ورشکستگی صادر می‌کند ← احمد ممنوع‌المدخله می‌شود ← قائم‌مقام یا مدیر تصفیه تعیین می‌شود ← اصل وحدت دارایی ← برخی از اموال در شرکت تضامنی است ← درخواست انحلال شرکت توسط مدیر تصفیه برای گرفتن اموال (جهت تسویه بدهی احمد)

۳. مقررات ورشکستگی از ماده ۴۱۲ تا ماده ۵۷۵ قانون تجارت که مربوط به تاجر حقیقی و حقوقی است

شرایط درخواست مدیر تصفیه:

۱. کتبی تقاضا کند
 ۲. شش ماه گذشته باشد
 ۳. دیگر شرکا او را منصرف نکرده باشند.
- منصرف کردن به این نحو است که:

- یا به او بگویند سهم الشرکه شما را می‌دهیم شما شکایت نکن و سپس حق او را بدهند.
- وقتی که حق او را پرداخت کردند دیگر حقی از شرکت تضامنی ندارد

۶. در صورت فوت یا محجوریت یکی از شرکا

برای جلوگیری از انحلال در این صورت دو شرط لازم است:

- ا. سایر شرکا با بقای شرکت موافقت کنند.
- ب. قائم‌مقام شریک متوقف یا شریک محجور اعلام رضایت نماید.

قانون‌گذار برای اعلام رضایت یا عدم رضایت توسط قائم‌مقام زمان محدودی را تعیین کرده است. یک ماه تا پس از فوت یا محجوریت. اگر در این یک ماه شرکت سود یا ضرر کرده باشد،

- با اعلام رضایت قائم‌مقام شریک متوقف، هم از سود سهام و هم از ضرر سهام خواهد بود
- در صورت عدم رضایت، فقط از سود سهام خواهد بود. سکوت تا انقضای مدت یک ماه به معنای اعلام رضایت است.

شرکت‌های نسبی

همه مسائل شرکت تضامنی در این شرکت نیز جاری است با دو تفاوت

- نام شرکت
- مسئولیت شرکا

اصول حاکم بر شرکت‌های نسبی

اصل ۱: میزان مسئولیت شرکا در قبال دیون شرکت ماده ۱۸۳ و ۱۸۶ ق.ت به نسبت سرمایه‌ای است که هر شریک در شرکت گذاشته است.

مثال: احمد ۱ میلیون، حسین ۳ میلیون، رضا ۶ میلیون آورده را در شرکت سرمایه گذاشته است. پس دارایی شرکت جمعاً ۱۰ میلیون است. حال اگر شرکت، ۱۰۰ میلیون بدهکار باشد، ابتدا از ۱۰ میلیون دارایی شرکت پرداخت می‌شود؛ سپس هر کدام از سه نفر بالا به نسبت سرمایه، نسبت به دیون مسئولیت دارند. یعنی در قبال ۹۰ میلیون کل بدهی باقیمانده شرکت. بنابراین احمد یک‌دهم ۹۰ میلیون یعنی ۹ میلیون، و حسین سه‌دهم ۹۰ میلیون یعنی ۲۷ میلیون و رضا شش‌دهم ۹۰ میلیون یعنی ۵۴ میلیون مسئولیت در قبال دیون شرکت دارند.

شرکا نمی‌توانند برخلاف مواد ۱۸۳ و ۱۸۶ توافق کنند. یعنی توافق نمایند که میزان مسئولیت رضا مثل مسئولیت احمد باشد یا توافق کنند که احمد مسئولیت نداشته باشد. قسمت اخیر ماده ۱۸۸

البته می‌توانند بین خودشان توافق کنند که سود احمد بیشتر از دیگران باشد؛ اما در مقابل طلبکاران نمی‌توانند به آن استناد کنند. چراکه باعث تضییع حق طلبکاران می‌شود. در مورد آورده این اجازه داده شده است

اصل ۲: نام شرکت: عبارت نسبی + نام حداقل یکی از شرکا + برادران یا شرکا. ماده ۱۸۴

اگر در نام شرکت عبارت نسبی را قید نکنند، شرکت تبدیل به شرکت تضامنی می‌شود. به دلیل ماده ۲۲۰ که مطابق آن اگر برخلاف مقررات ثبت شرکت‌ها عمل شود؛ شرکت تبدیل به شرکت تضامنی می‌شود. دلایل تبدیل شدن به شرکت تضامنی:

۱. به دلیل ماده ۲۲۰ که می‌گوید اگر برخلاف مقررات ثبت شرکت‌ها عمل شود، به مسئولیت تضامنی تبدیل می‌شود.
 ۲. اکثر مقررات شرکت تضامنی و نسبی یکی است؛ لذا تبدیل به آن می‌شود. دلیل دوم خیلی قابل قبول نیست.
- ❖ اگر در شرکت نسبی یکی از شرکا، بدهی شرکت را پرداخت کرد می‌تواند به سایر شرکا مراجعه کند و بر اساس توافق قبلی بین خودشان از سایر شرکا مطالبه کند. ماده ۹۵ ق.ت

ماده ۹۵ مربوط به شرکت با مسئولیت محدود است. این نوع شرکت بعداً به صورت تفصیلی بررسی خواهد شد، اجمالاً و برای تبیین این مطلب اشاره می‌شود که:

تعریف شرکت با مسئولیت محدود: طبق ماده ۹۴ ق.ت، برای امور تجاری بین دو یا چند نفر بدون اینکه سرمایه به سهام یا قطعات سهام تقسیم شده باشد. مسئولیت فقط تا میزان سرمایه شرکا در شرکت می‌باشد.

مثال: احمد ۱ میلیون، حسین ۳ میلیون، رضا ۶ میلیون آورده را در شرکت سرمایه گذاشته است. پس دارایی شرکت جمعاً ۱۰ میلیون است. حال اگر شرکت ۱۰۰ میلیون بدهکار باشد، ابتدا از ۱۰ میلیون دارایی موجود شرکت پرداخت می‌شود؛ اما هیچ کدام از شرکا مسئولیتی در مقابل بقیه دیون شرکت ندارند. چون مسئولیت شرکا محدود است. یعنی میزان مسئولیت = ۰ ریال است.

در ماده ۹۵ می‌گوید در اسم شرکت باید تصریح به نام و نوع شرکت کرد و گرنه شرکت در مقابل اشخاص ثالث، شرکت تضامنی محسوب خواهد شد. لذا در مثال قبلی اگر اسم شرکت ذکر نشده باشد هر کدام از شرکا به میزان ۹۰ میلیون در مقابل دیون شرکت مسئول خواهند بود.

نکته: هیچ تفاوتی وجود ندارد که شرکا شخص حقیقی یا شخص حقوقی (مثلاً شرکت تضامنی) باشند. در چنین فرضی اگر یکی از شرکا مثلاً به جای رضا، شرکت تضامنی الف بود؛ بر فرض که نتواند بدهی پرداخت نماید، طبق ماده ۴۱۲ قانون تجارت ورشکسته خواهد شد.

نتیجه مطالب فوق = قیاس اولویت: وقتی در مورد شرکت با مسئولیت محدود، ماده‌ای همچون ۹۵ وجود دارد، پس قطعاً در شرکت نسبی هم تبدیل به شرکت تضامنی خواهد شد.

اگر آورده غیر نقدی را به قیمت غیرواقعی تقویم کرده باشند، تبدیل به شرکت تضامنی می‌شود یعنی از مسئولیت محدود به نامحدود تغییر می‌کند. ماده ۹۸ ق.ت

اصل ۳: در ادامه اصول شرکت‌های نسبی، ماده ۱۸۵ ارجاع داده به مواد ۱۱۸ تا ۱۲۳ شرکت‌های تضامنی. یعنی آن مواد در شرکت‌های نسبی نیز لازم‌الرعایه است. به طور اجمال این مواد بیان می‌شود:

- **۱۱۸ ق.ت تشکیل شرکت:** زمان تأدیه تمام سرمایه نقدی و تقویم و تسلیم سرمایه‌های غیر نقدی شرکت تشکیل می‌شود وجود شرکت‌نامه در شرکت نسبی ضروری است ماده ۱۸۵ ناظر به این مواد است.
- **۱۱۹ ق.ت تقسیم سود بین شرکا** به نسبت آورده است مگر در شرکت‌نامه به خلاف آن توافق کرده باشند.
- **۱۲۰ و ۱۲۱ ق.ت اداره امور شرکت و مسئولیت مدیر:** مانند وکیل در مقابل موکل است.
- **۱۲۲ ق.ت تقویم آورده‌های غیرنقدی** با توافق و تراضی همه شرکا
- **۱۲۳ ق.ت غیرقابل انتقال بودن سهم شرکت**
- ماده ۱۸۵ ناظر به همه این مواد می‌باشد.

اصل ۴: انحلال شرکت نسبی: در ماده ۱۸۹ به ماده ۱۳۶ ارجاع داده است؛ که مربوط به انحلال شرکت نسبی می‌باشد. تراضی تمام شرکا، تقاضای انحلال توسط یکی از شرکا و...

شرکت با مسئولیت محدود و اصول حاکم بر آن

تعریف: ماده ۹۴ میزان

اصل ۱: میزان مسئولیت شرکا ماده ۹۴ = اصل بر مسئولیت محدود شرکا است مگر در موارد استثنا مثل عدم رعایت اصل ذیل:

تصریح به نوع شرکت در اسم شرکت و منع از ذکر نام شرکا در اسم شرکت. لذا

۱. عبارت با مسئولیت محدود باید در تعریف ذکر شود. در غیر اینصورت مسئولیت تضامنی خواهد بود.

۲. اگر نام یک شریک در نام شرکت قید شود در قبال کل بدهی‌های شرکت مسئولیت تضامنی پیدا می‌کند.

در مثال‌های بالا فرض کنید اسم رضا در اسم شرکت وجود دارد. مثلاً شرکت با مسئولیت محدود جزوه سازان رضا و برادران. در اینجا رضا در مقابل کلیه دیون شرکت مسئولیت تضامنی دارد و بقیه شرکا هیچ‌گونه مسئولیتی تضامنی ندارد.

❖ برای تشکیل شرکت با مسئولیت محدود وجود شرکت‌نامه ضروری است. ضمناً سهم الشرکه نقدی باید تأذیه و سهم الشرکه غیر نقدی باید تقویم و تسلیم شود. ماده ۹۶ ق.ت.

۳. آورده غیر نقدی باید در شرکت‌نامه ذکر شود که به چه میزان تقویم شده است. ماده ۹۷ ق.ت اگر قیمت تقویم شده واقعی بود، مسئولیت محدود است؛ و اگر به قیمت غیرواقعی تقویم شده بود، مسئولیت نامحدود تبدیل به مسئولیت تضامنی می‌شود. مثال: ماشینی که صد میلیون می‌ارزد را به ۵۰۰ میلیون تقویم کرده باشند، در مورد ۴۰۰ میلیون مابه‌التفاوت، مسئولیت تضامنی وجود دارد و نسبت به ۱۰۰ میلیون که ارزش واقعی ماشین است مسئولیت محدود.

۴. در مورد بطلان شرکت، شرکایی که بطلان شرکت مستند به عمل آن‌هاست، نسبت به خسارات ناشی از بطلان، مسئولیت تضامنی دارند. ماده ۱۰۱ ق.ت. (هیئت نظار در ماده ۱۰۱: وقتی است که عده شرکا از ۱۲ نفر تجاوز کند. ماده ۱۰۹)

❖ موارد استثنا در مورد مسئولیت محدود مواد ۹۵ و ۹۸ و ۱۰۰ و ۱۰۱ ق.ت بود که اجمالاً بیان شد. برای مطالعه بیشتر، به مواد مربوطه مراجعه شود.

رعایت یک سری تشریفات بیشتر در صورتی که شرکا از ۱۲ نفر بیشتر باشند، لازم است. ماده ۱۰۹ هیئت نظار حداقل سه نفر از شورای کار می‌باشند. وظیفه هیات نظار ارجاع به شرکت‌های مختلف به سهامی است. ماده ۱۶۵ هر سال ۱ بار باید مجمع عمومی شورا را تشکیل دهند. هیات نظار، نقش بازرس را دارند که باید موارد مربوط به مواد ۹۶ و ۹۷ را بررسی کنند.

اصل ۲: غیرقابل انتقال بودن سهم الشرکه، مگر با وجود ۲ اکثریت هم‌زمان:

۱. اکثریت عددی شرکا

۲. حداقل سه چهارم سرمایه را دارا باشد.

مثال: اگر شرکت ۱۰ شریک دارد و سرمایه شرکت ۱۰ میلیون است، حال اگر احمد ۷ میلیون و بقیه ۹ نفر ۳ میلیون آورده باشند، احمد به تنهایی نمی‌تواند سهم شرکت را انتقال بدهد. باید حداقل ۵ نفر دیگر همراه شده و کل سرمایه به هفت و نیم میلیون برسد. در شرکت سهامی برای هر سهم، ۱ حق رأی وجود دارد. اما برای حق رأی در شرکت با مسئولیت محدود، ماده ۱۰۷ اشاره شده است.

نمی‌توان سهم الشرکه را به‌عنوان و شکل سهم چه با اسم چه بدون اسم در آورد.

ماده ۱۰۳: برای انتقال سهم الشرکه، سند رسمی لازم است.

اصل ۳: اداره شرکت با مسئولیت محدود ماده ۱۰۴

یک یا چند مدیر موظف یا غیرموظف = از بین شرکا یا خارج از شرکت برای مدت محدود یا نامحدود
مدیر موظف: برای انجام کار خود دستمزد دریافت می‌کند.

مدیر غیرموظف: برای انجام کار، دستمزد نمی‌گیرد.

در مورد شرکت با مسئولیت محدود در صورت فوت یکی از شرکا منحل نمی‌شود ۱۱۴ ق.ت فقط در صورتی فوت یکی از شرکا شرکت را منحل می‌سازد که در اساسنامه شرکت پیش‌بینی شده باشد. یعنی اصل بر عدم انحلال است مگر برخلاف آن پیش‌بینی شده باشد.

❖ در ماده ۱۱۳ که نوشته مفاد ماده ۷۸ اشتباه است. باید می‌نوشت مفاد ماده ۵۷.

ماده ۵۷: همه‌ساله لاقلاً یک‌بیستم از عایدات خالص شرکت برای تشکیل سرمایه احتیاطی موضوع خواهد شد. وقتی سرمایه احتیاطی به یک‌دهم سرمایه کل شرکت رسید، موضوع کردن این مقدار اختیاری است. این عمل توسط مدیر انجام می‌شود
موضوع شدن = به انباشتن و ذخیره کردن برای احتیاط

اصل ۴: انحلال شرکت با مسئولیت محدود ماده ۱۱۴ ق.ت

۱. بندهای ۱ و ۲ و ۳ ماده ۹۳ قانون تجارت یا ۱۹۹ قانون شرکت‌های سهامی

- هدفی که از این شرکت وجود داشت غیرممکن شده باشد
- مدت منقضی شده باشد

• شرکت ورشکست شود ماده ۹۳ قانون شرکت‌های سهامی

۲. تصمیم عده‌ای که سهم شرکت آن‌ها بیش از نصف سرمایه باشد.

۳. فوت یکی از شرکا اگر در اساسنامه پیش‌بینی شده باشد.

۴. اگر به واسطه ضررهای وارده به شرکت نیمی از سرمایه از بین رفته باشد و یکی از شرکا درخواست انحلال داده و دلایل ارائه کرده باشد و در دادگاه موجه تشخیص داده شود؛ و سایر شرکا حاضر نباشند سهمی را که در صورت انحلال به او تعلق می‌گیرد را پرداخت کنند و او را از شرکت اخراج کنند؛ شرکت در این صورت منحل می‌شود.

این افراد کلاه‌بردار محسوب می‌شوند. ماده ۱۱۵

أ. مؤسسين و مدیرانی که برخلاف واقع پرداخت تمام سهم شرکت نقدی و تقویم و تسلیم سهم شرکت غیرنقدی را در اوراق و اسنادی که باید برای ثبت شرکت بدهند اظهار کرده باشند .

ب. کسانی که به وسایل متقلبانه سهم شرکت غیرنقدی را بیش از قیمت واقعی آن تقویم کرده باشند .

ج. مدیرانی که با نبودن صورت دارائی یا به استناد صورت دارائی مزورانه، منافع موهومی را بین شرکا تقسیم کنند.

❖ ماده ۱۱۰ و ۱۱۲ مطالعه شوند: تغییر تابعیت را نمی‌توانند انجام دهند و همچنین نمی‌توانند شریکی را مجبور به ازدیاد سهم شرکت خود کنند.

شرکت سهامی و اصول حاکم بر آن مصوب ۱۳۴۷

تعریف در ماده ۱ ق.ش.س: شرکتی که سرمایه آن به سهام تقسیم شده و مسئولیت صاحبان سهام محدود به مبلغ اسمی سهام آن‌هاست. ممکن است هر سهام را بالاتر از قیمت مندرج (قیمت اسمی) خرید و فروش کنند. = (قیمت واقعی)

• قیمت مندرج = قیمت اسمی

• قیمت خرید و فروش = قیمت واقعی

مسئولیت صاحبان شرکت محدود به مبلغ اسمی سهام است.

ماده ۲: شرکت سهامی شرکت بازرگانی محسوب می‌شود، حتی اگر وظایف بازرگانی را انجام ندهد و موضوع عملیات آن بازرگانی نباشد.

ماده ۳: تعداد شرکا نباید از سه نفر کمتر باشد.

ماده ۱۰۷: تعداد مدیر برای

• سهامی خاص حداقل ۳ نفر مدیر. ماده ۳

• سهامی عام حداقل ۵ نفر مدیر. ماده ۱۰۷

ماده ۴: تقسیم به شرکت سهامی عام و خاص

• سهامی خاص = تمام سرمایه آن‌ها در موقع تأسیس منحصرأً توسط مؤسسين تأمین می‌شود

• سهامی عام = برخی از سرمایه با فروش سهام تأمین می‌شود

ماده ۵: مبلغ برای تشکیل شرکت سهامی عام ۵۰۰ هزار تومان و برای سهامی خاص ۱۰۰ هزار تومان می‌باشد.

در شرکت سهامی عام حداکثر مبلغ هر سهم از ده هزار ریال بیشتر نیست ماده ۲۹ ق.ش.س

در شرکت سهامی عام پذیرهنویسی داریم ولی در شرکت سهامی خاص پذیرهنویسی ممنوع است. باید کل دارایی و سهام شرکت توسط شرکا تأمین شود. پذیرهنویسی = مجوز از مرجع ثبت گرفته و پذیرهنویسی می‌کند، قبل از آنکه شرکت تأسیس شده باشد.

قسمتی از سرمایه مورد نیاز شرکت از طریق فروش سهام به مردم تأمین می‌شود.

مراحل تأسیس

• مرحله در شرف تأسیس

• مرحله تشکیل قطعی شرکت

در مرحله اول یعنی در شرف تأسیس، یک عده هم‌فکر با هم تصمیم می‌گیرند شرکتی را به صورت سهامی عام با هدف مشخص تشکیل دهند. مؤسسين شرکت سهامی عام در شرف تأسیس طبق مواد ۶ تا ۱۶ ق.ش.س که دارای وظایفی هستند:

۱. برآورد سرمایه: شرکت به چه میزان سرمایه احتیاج دارد. مثلاً یک میلیارد تومان. از مبلغ برآورده شده حداقل ۲۰٪ را مؤسسين تعهد پرداخت می‌کنند. (۲۰۰ میلیون تومان) و از این ۲۰٪ حداقل ۳۵٪ از آن را در حساب بانکی به نام شرکت سهامی عام در شرف تأسیس قرار می‌دهند. بعداً رسید آن برای ارائه به مراجع ثبتی نیاز است. (حداقل ۷۰ میلیون تومان در مثال ما نیاز است که به صورت نقدی به بانک پرداخت شود).

نکته: اگر بیش از ۲۰٪ تعهد دادند، از همان مقدار تعهد باید ۳۵٪ آن را بپردازند.

۶۵٪ باقی‌مانده بر ذمه مؤسسين باقی می‌ماند. ۸۰٪ باقی‌مانده کل سرمایه نیز توسط پذیرهنویسی تأمین می‌شود.

۲. اگر بخشی از آورده مؤسسين به صورت غیر نقدی بود، توسط کارشناس رسمی دادگستری تقویم می‌شود. در این حالت، عین مال غیر نقدی یا مدارک آن نزد بانکی که اقدام به افتتاح حساب کرده‌اند تودیع می‌شود.

پذیره‌نویسان نمی‌توانند آورده را به صورت مال غیر نقدی داشته باشند.

۳. بعد از تودیع عین یا مدارک در بانک اگر غیر نقدی بود یا پول نقدی نوبت به تنظیم اظهارنامه می‌رسد

تنظیم اظهارنامه: ماده ۹ ق.ش.س

• تنظیم طرح اساسنامه شرکت

• تنظیم طرح اعلامیه پذیرهنویسی

• مراجعه به مرجع ثبت جهت اخذ مجوز اداره ثبت شرکت‌ها

• انتشار اعلامیه نویسی جهت درج در روزنامه‌های کثیرالانتشار ماده ۹

- تعهد به پرداخت مبلغ اسمی سهام که قسمتی از آن نقداً پرداخت شده
- مابقی پذیرهنویسی یا تعهد به پرداخت که یا عندالمطالبه شرکت، یا هرزمانی که در اساسنامه مقرر شده باید پرداخت شود.

مثال: یک میلیارد ریال تبدیل به ۱۰ میلیون سهم هزار ریالی می‌شود. به تفصیل ذیل:

- تعهد مؤسسين به پرداخت = ۲۰۰ میلیون ریال
- پرداخت نقدی مؤسسين = ۷۰ میلیون ریال
- باقی مانده بر ذمه مؤسسين = ۱۳۰ میلیون ریال
- فروش سهام به مردم با پذیرهنویسی = ۸۰۰ میلیون ریال یعنی ۸۰۰ سهم ۱۰۰۰ ریالی

اگر آقای احمد از فروش سهام مطلع شده و می‌خواهد سهامدار شرکت سهامی عام شود؛ اگر ۱۰ هزار سهم می‌خواهد مبلغ سهام او ۱۰ میلیون ریال خواهد بود که باید ۳۵٪ آن را نقداً پرداخت کند. یعنی سه میلیون و پانصد هزار ریال و مابقی یعنی شش میلیون و پانصد هزار ریال تعهد بر ذمه او باقی مانده و در نزد بانک تعهد می‌دهد که عندالمطالبه شرکت یا هر زمانی که در اساسنامه شرکت مشخص شده، تأدیه شود. حداکثر زمان در اساسنامه تا ۵ سال خواهد بود.

کل سهام به این نحو به فروش می‌رسد = با ۳۵٪ پرداخت نقدی و ۶۵٪ بر ذمه آن‌ها یعنی با پذیرهنویسی. ۶۵٪ را پذیرهنویسان باید به‌صورت یکجا پرداخت کنند. اگر به موقع پرداخت نشد؛ ظرف یک ماه اخطار فرستاده می‌شود. اگر ظرف ۱ ماه پس از اخطار اقدامی نشد، اخراج می‌شود.

برای تهیه سهام یک مبلغ حداقلی مشخص می‌کنند که لوث نشود. مثلاً شخصی یک سهام نخرد! اگر سهامداران ۴۰٪ را به‌صورت نقدی پرداخت کردند؛ پذیرهنویسان نیز به تبع ۴۰٪ را نقد پرداخت کند. همین‌طور ۱۰۰٪ که در این حالت دیگر بر ذمه بودن معنایی ندارد.

مجوز برای پذیرهنویسی زمانی صادر می‌شود که مؤسسين، مبلغ غیر نقدی را در بانک تأدیه کرده باشند؛ تا مشخص شود به‌صورت واهی اقدام به ثبت شرکت نکرده‌اند. یعنی عملاً برای جلوگیری از کلاهبرداری.

عمل به ماده ۱۶: برای مؤسسين ۳ اقدام بیان شده است:

۱. رسیدگی به تعهدات پذیرهنویسان که به تعهدات خود عمل کرده باشند
۲. تعیین تعداد سهام هر یک از پذیرهنویسان و ثبت این تعداد در دفتر ثبت سهام شرکت
۳. دعوت از مجمع عمومی مؤسس: تمامی مؤسسين و پذیرهنویسان می‌توانند در مجمع عمومی شرکت کنند.

در این مرحله به تشکیل قطعی شرکت می‌رسیم.

ماده ۱۷ ق.ش.س: ۳ اقدام مهم صورت می‌گیرد.

۱. تشکیل مجمع عمومی مؤسسين

۲. اتخاذ تصمیمات مطابق ماده ۱۷ از قبیل:

- انتخاب مدیران و قبول کتبی سمت.
- انتخاب بازرسان و قبول کتبی سمت. شرکت در اینجا به‌صورت قطعی تشکیل می‌شود

۳. ثبت شرکت در مرجع ثبت. ماده ۱۹۵

ماده ۱۸ ق.ش.س: مدارک مورد نیاز

ماده ۱۹ ق.ش.س: اگر در اسناد ثبت شرکت‌ها با مشکل مواجه شدیم، شش ماه از تاریخ تسلیم اظهارنامه فرصت هست که شرکت را تشکیل و تأسیس شود.

ماده ۲۰ ق.ش.س: در رابطه با تشکیل شرکت سهامی خاص
سهام ممتاز: امتیازی که به دارنده سهام ممتاز در نظر گرفته می‌شود. ممکن است هر امتیازی باشد؛ مثل داشتن ۲ حق رأی یا سود
بیشتر یا ...

ماده ۲۰ برای تشکیل شرکت سهامی خاص: عده‌ای هم‌فکر تصمیم به تشکیل شرکت سهامی خاص می‌گیرد که به آن‌ها هیئت مؤسسين
می‌گویند.

کل سرمایه شرکت توسط همین هیئت مؤسسين تعهد و تأمین می‌شود.
حداقل ۳۵٪ از کل سرمایه شرکت باید توسط ایشان نقداً پرداخت شود.

• مثال: کل برآورد مالی = ده میلیارد

• پرداخت نقدی = سه و نیم میلیارد

• حداقل تعهد به پرداخت = شش و نیم میلیارد

آورده‌های غیر نقدی توسط کارشناس دادگستری تقویم می‌شود

اساسنامه تنظیم و امضا توسط کلیه مؤسسين.

انتخاب بازرسان در مدیران

قبول سمت توسط مدیران و ایشان

انتخاب روزنامه کثیرالانتشار برای درج در آن

ماده ۲۴: سهم: قسمتی از سرمایه شرکت سهامی است که مشخص میزان مشارکت تعهدات و منافع صاحبان در شرکت سهامی است
که قابل نقل و انتقال است.

تبصره: ممکن است سهام بانام یا بدون نام باشد. شرکت‌ها بنا بر مصالح خودشان اقدام به انتشار سهام بانام یا بی‌نام می‌کند.

ورقه سهم قابل انتقال و خرید و فروش است.

۱. بانام: نام دارنده سهام، در ورقه سهم ذکر شده است برای انتقال سهام بانام تشریفات وجود دارد که در ماده ۴۰ ق.ش.س ذکر شده
است. مثلاً ثبت در دفتر ثبت سهام شرکت

۲. بی‌نام: نام دارنده سهام در ورقه سهم ذکر نشده است. این ورقه سهام در حکم سند در وجه حامل است؛ یعنی:

• انتقال آن فاقد تشریفات است

• قبض و اقباض موجب انتقال است.

ماده ۲۹: مبلغ اسمی هر سهم از ۱۰ هزار ریال نباید بیشتر باشد.

ماده ۳۲: همه سهام‌ها باید به صورت متساوی باشند همگی ۱۰ هزار ریالی یا کمتر به یک اندازه.

در چند مورد سهام حتماً باید بانام باشد ماده ۳۳ و ۱۴ و ۶۷

۱. مادامی که تمامی مبلغ اسمی هر سهم پرداخت نشده باشد.

۲. مدیران که دارای سهام وثیقه هستند این سهام وثیقه تا زمانی که تسویه مدیر پس از اتمام دوران مدیریت نمی‌تواند بدون نام

باشد ضمناً تا آن زمان غیرقابل انتقال است ماده ۱۱۴

۳. ماده ۶۷: ورقه قرضه: سهامی که جهت تعویض با اوراق قرضه صادر می‌شود.

ورقه قرضه: ماده ۵۲: ورقه‌ای که معرف مبلغی وام معین به شرکت است که توسط اشخاص به شرکت داده می‌شود. با توجه به اینکه

خلاف شرع است دیگر چیزی به نام ورقه قرضه نداریم؛ چون سود از ابتدا مشخص می‌باشد. الان اوراق مشارکت جایگزین آن شده که

عملاً همان است؛ ولی مثلاً سودش از ابتدا مشخص نیست و علی‌الحساب است!

اگر نحوه تبدیل سهام در اساسنامه ذکر شده باشد که بر اساس آن سهام تبدیل می‌شود؛ یعنی تبدیل سهام بانام به بی‌نام یا برعکس. اما اگر در اساسنامه نباشد، ماده ۴۳ می‌گوید تصمیم‌گیری راجع به این امر بر عهده مجمع فوق‌العاده است.

تبدیل سهام از بی‌نام به بانام: مواد ۴۴ و ۴۵ و ۴۶ پس از تصمیم شرکت مبنی بر تبدیل:

سه نوبت به فاصله ۵ روز در روزنامه کثیرالانتشار که همان روزنامه منتخب شرکت است آگهی داده می‌شود.

هر تصمیمی در شرکت باید در مرجع ثبتی ثبت شود، از جمله این تصمیم.

مهلت حداقل شش‌ماهه از تاریخ اولین آگهی یا بیشتر برای این تبدیل در ماده ۴۴ پیش‌بینی شده است؛ که دارندگان سهام بی‌نام مراجعه و سهام بی‌نام خود را به شرکت ارائه و در مقابل، سهام بانام تحویل بگیرند. اگر شخصی در مدت مذکور به شرکت مراجعه کرد و همه افراد نیز مراجعه کردند، همه سهام تبدیل به بانام می‌شود و کار تمام است.

اما اگر همه دارندگان مراجعه نکردند. مثلاً دارندگان ۸ میلیون سهم مراجعه کردند، ولی دارندگان ۲ میلیون سهم مراجعه نکردند: این افراد دیگر جزء دارندگان سهام شرکت نمی‌باشند. در ازای ۲ میلیون سهم که مراجعه نشده، سهام بانام صادر شده و از طریق بورس یا حراج به فروش می‌رسد. مبلغی که هزینه شده از آن پول برداشته می‌شود و مابقی پول در بانک، در یک حساب سپرده که سوددهی دارد سپرده‌گذاری می‌شود.

سؤال: حقوق دارندگان سهام بی‌نام چه می‌شود؟

اگر در مدت ۱۰ سال دارندگان سهام بی‌نام مراجعه کردند، به تناسب تعداد سهام در دست، از مبلغ سپرده + سود آن دریافت می‌کنند. اگر در ۱۰ سال هم مراجعه نکردند، مبالغ در حکم اموال بلاصاحب می‌باشد و از طریق بانک با اطلاع دادستان به خزانه دولت واریز شده و دیگر نمی‌شود کاری کرد.

اصطلاح سهام بانام که در اینجا ذکر شده، منظور زمانی است که دارندگان سهام بی‌نام مراجعه نکردند. عنوانش بانام است ولی نام شخص در آن ذکر نشده. در بورس یا حراج که به فروش رفت نام آن خریدار درج خواهد شد.

تبدیل سهام از بانام به بی‌نام: ماده ۴۷

فقط یک نوبت در روزنامه کثیرالانتشار درج می‌شود. مدت حداقل دو ماه یا بیشتر برای دارندگان داده می‌شود که اگر مراجعه کردند که فیها المراد. اما اگر برخی مراجعه نکردند، سهام باطل نمی‌شود؛ بلکه به تعداد سهم آن‌ها سهام بی‌نام صادر شده و در شرکت نگهداری می‌شود تا هر زمانی که دارندگان سهام به شرکت مراجعه کرده و سهام بانام را تحویل داده و سهام بی‌نام را تحویل بگیرند.

تنها یک مزیت از این سهامداران که مراجعه نکردند کم می‌شود: یعنی حق اعتراض در تصمیمات شرکت و حق رأی آن‌ها در مدتی که مراجعه نکرده‌اند، از آن‌ها سلب می‌شود.

حقوق و تعهدات ناشی از سهام که شامل ۷ حق و ۱ تعهد است.

حقوق:

۱. حق برخورداری از سود قابل تقسیم. مواد ۲۳۷ تا ۲۳۹

سؤال: درآمد یک سال شرکت ۳۵۰ میلیون تومان بوده که مبلغ ۷۰ میلیون تومان آن صرف پرداخت حقوق کارگران و سایر هزینه‌ها از قبیل پرداخت قبوض آب و برق و گاز و هزینه ملزومات اداری - دفتری و ایاب ذهاب گردیده و مبلغ ۲۰ میلیون تومان به‌عنوان اندوخته قانونی اختیاری کنار گذاشته شده؛ و مبلغ ۷۰ میلیون تومان به‌عنوان استهلاک دارایی‌ها از سال‌های مالی قبل و مبلغ ۵۰ میلیون تومان زیان برای شرکت باقی‌مانده و نیز مبلغ ۳۵ میلیون تومان سود قابل تقسیم سال‌های مالی قبل تقسیم نشده است. سود قابل تقسیم امسال چقدر است؟

- درآمد به همراه سود $385 = 35 + 350$
- زیان‌ها $210 = 70 + 50 + 20 + 70$
- سود قابل تقسیم: $385 - 210 = 175$. لذا سود قابل تقسیم، ۱۷۵ میلیون تومان خواهد بود.

۲. پس از انحلال شرکت از اموال باقی مانده شرکت به نسبت سهام خود سهم می‌شوند

۳. حق عضویت در شرکت

اگر یک ماه گذشت و به تعهد خود که پرداخت حداقل ۳۵ درصد بود عمل نکرد حق عضویت باطل می‌شود. همچنین اگر ظرف مدت مقرر در تبدیل سهام بی‌نام به بانام مراجعه نشود حق عضویت از بین می‌رود (مواد ۳۵ و ۴۵) در غیر این صورت هیچ سهامداری را نمی‌توان از حق عضویت در شرکت منع کرد

۴. حق رأی

هر سهم یک حق رأی دارد مگر در ۵ مورد که عبارت‌اند از ماده ۳۷ و ۴۹ و ۱۲۹ و ۱۶۸ و ۷۷

در دو مورد اول از این ۵ مورد سهامداران به علت تخلف از چیزی که قانون‌گذار گفته، حق رأی ندارند

در سه مورد بعدی به علت این که سهامداران ذینفع می‌باشند حق رأی ندارند

۵. حق اطلاع از جلسات و تصمیمات شرکت ماده ۹۷

۶. حق ممانعت از افزایش تعهدات ماده ۹۴

۷. حق تعقیب مدیران ماده ۲۷۶

به دارندگان لاقفل یک‌پنجم از سهام این اجازه داده شده که علیه مدیران اقامه دعوا کنند به هزینه خودشان اگر اثبات کردند، هزینه از شرکت اخذ می‌شود و اگر محکوم شدند هزینه از خودشان پرداخت خواهد شد

تنها تعهدی که دارند طبق ماده ۳۴ این است که مبلغی که بر دین آن‌هاست را باید پرداخت کنند

مجمع عمومی ماده ۷۲

از اجتماع صاحبان سهام تشکیل می‌شود (ماده ۷۳)

- مجمع عمومی مؤسس
- مجمع عمومی عادی
- مجمع عمومی فوق‌العاده

مقررات مشترک بین مجامع

۱. مقررات نحوه دعوت از مجامع ماده ۹۷: در روزنامه کثیرالانتشار آگهی و از طریق آگهی دعوت می‌شوند گاهی نیز بدون آگهی دعوت می‌شوند یعنی وقتی که همه در مجمع حاضرند تعیین می‌کنند که جلسه بعدی چه زمانی خواهد بود. دعوت توسط رئیس هیات مدیره انجام می‌شود و اگر خودداری کرد توسط بازرس و گاهی هم در موارد خاص توسط سهامداران به عمل می‌آید یعنی دارندگان حداقل یک‌پنجم سهام شرکت با رعایت مواد ۹۱ و ۹۲ و ۹۵ این دعوت به عمل می‌آید
۲. نحوه شرکت در مجامع عمومی: باید خود سهامداران یا نماینده ایشان با در دست داشتن سندی که نشانگر نماینده بودن اوست به دفتر شرکت مراجعه کنند و ورقه ورود به جلسه را دریافت کند. ماده ۹۹ و ۱۰۲
۳. انتخاب هیئت‌رئیس ماده ۱۰۱ وظایف هیئت‌رئیس در مواد ۱۰۴ تا ۱۰۶ ذکر شده است

۴. رسیدن به حدنصاب جهت معتبر بودن جلسات مجمع مؤسس و عادی و فوق‌العاده مواد ۷۵ و ۸۷ و ۸۴
۵. نحوه اخذ رأی در مجامع: اکثریت (دوسوم) حاضرین در جلسه (مراد اکثریت حاضرین است ماده ۱۰۳)
۶. محدودیت اختیارات مجامع مواد ۹۳ و ۹۴ و ۱۵۹
۷. لزوم اطلاع قبلی سهامداران از دستورات مجمع ماده ۱۳۹

وظایف و اختیارات، حدنصاب جهت تشکیل جلسات و رأی‌گیری مجامع

ماده ۷۴ مجمع مؤسس اولین مجمع عمومی شرکت که کلیه مؤسسين و پذیرهنویسان می‌توانند در آن شرکت کنند. مجمع مؤسسین با رعایت مواد قانونی فقط یک‌بار تشکیل می‌شود و دیگر تشکیل نمی‌شود

وظایف

۱. رسیدگی به گزارش مؤسسین و احراز پذیرهنویسی کل سهام شرکت و پرداخت مبالغ لازم یعنی حداقل ۳۵ درصد
۲. تصویب طرح اساسنامه شرکت و در صورت لزوم اصلاح آن اساسنامه
۳. انتخاب مدیران و بازرس یا بازرسان
۴. تعیین نام روزنامه کثیرالانتشاری که هرگونه دعوت و اطلاعیه بعدی، تشکیل اولین مجمع عمومی عادی در آن اطلاع‌رسانی خواهد شد.

حدنصاب جهت تشکیل جلسات ماده ۷۵

برای تشکیل جلسه اول حداقل یک‌دوم دارندگان سهام لازم است. اگر حاضر نشوند و به حدنصاب نرسید جلسه اول لغو و جلسه دوم تشکیل می‌شود حدنصاب جلسه دوم یک‌سوم دارندگان سهام و حدنصاب جلسه سوم حداقل یک‌سوم دارندگان سهام است. اگر در جلسه سوم به حدنصاب نرسیدند مؤسسین عدم تشکیل شرکت را به مرجع ثبت اعلام می‌کنند چون تا زمانی که مدیران معین نشوند نمی‌شود شرکت تأسیس شود و انتخاب مدیران پس از تشکیل جلسه است سپس برای مسترد شدن اموال اقدام می‌کند

حدنصاب جهت پیگیری هیئت مؤسس: دوسوم آراء حاضرین در جلسه رسمی، معتبر است

نکته: ماده ۷۵ اشتباه دارد چراکه ممکن است سهامداران مؤسسین بیش از یک‌دوم را دارا باشد به این بیان: اگرچه ماده ۷۵ قانون شرکت‌های سهامی حضور عده‌ای از پذیرهنویسان را که حداقل نیمی از سرمایه را تعهد کرده باشند برای تشکیل مجمع عمومی مؤسس در نوبت اول لازم دانسته اما به نظر می‌رسد که منظور قانون‌گذار از حضور دارندگان نیمی از سهامداران چه پذیرهنویس چه مؤسس بوده است زیرا ممکن است که پذیرهنویسان روی هم کمتر از نصف سرمایه شرکت را تعهد کرده باشند و بیش از ۵۰ درصد سرمایه توسط خود مؤسسین تعهد شده باشد که در این صورت مجمع عمومی مؤسس هرگز قابل تشکیل نخواهد بود زیرا تعهد تمام پذیرهنویسان به نصف سرمایه شرکت نمی‌رسد لذا بایستی از این ظاهر قانون دست کشید و پذیرفت که منظور قانون‌گذار حضور عده‌ای بوده که لااقل نیمی از سرمایه شرکت را تعهد کرده باشند اعم از اینکه مؤسسین یا پذیرهنویسان باشد.

مجمع عمومی عادی

می‌تواند در تمام امور شرکت تصمیم‌گیری کند مگر اموری که به عهده دو مجمع دیگر قرار داده شده است. برخی از وظایف مجمع در ماده ۸۶ قانون شرکت‌های سهامی بیان شده است که عبارت‌اند از

۱. رسیدگی به حساب سود و زیان شرکت - بیلان - ترازنامه ماده ۸۹

۲. تقسیم سود صاحبان سهام ماده ۹۰
۳. اختصاص ذخیره قانونی (یک بیستم سود خالص شرکت)
۴. انتخاب مدیران و بازرسان به جز اولین مدیران یا بازرسان شرکت ۲۳۷ تا ۲۳۹

ترازنامه یا بیلان وضعیت دارایی و بدهی یک واحد تجاری را در یک دوره مشخص نمایش می‌دهد به عبارت دیگر با عنایت به اینکه ترازنامه وضعیت مالی شرکت را در یک دوره و زمان مشخص نمایش می‌دهد می‌توان آن را مانند یک تصویر از وضعیت مالی واحد تجاری نیز معرفی نمود

مدت مدیریت مدیر محدود است حداکثر تا دو سال ماده ۱۰۹ (برعکس شرکت با مسئولیت محدود)

ماده ۱۰۷ هیئت‌مدیره نباید کمتر است پنج نفر باشد

تشکیل جلسات مجمع عمومی ماده ۸۷: حضور دارندگان بیش از یک‌دوم سهام که حق رأی دارند در جلسه اول ضروری است. اگر به حدنصاب نرسید جلسه دوم با حضور هر یک از صاحبان سهام که حق رأی دارند تشکیل خواهد شد

رأی‌گیری ماده ۸۸: تصمیمات همواره به نصف به‌علاوه یک آراء حاضران جلسه رسمی معتبر خواهد بود مگر در صورت انتخاب مدیران و بازرسان که در این صورت اکثریت نسبی ملاک خواهد بود^۴

مجمع عمومی فوق‌العاده (ماده خاصی ندارد)

مجمع عمومی فوق‌العاده در مسائل ضروری مربوط به شرکت که باید تصمیم‌گیری شود قبل از تشکیل مجمع عمومی^۵ تشکیل می‌شود برخی از وظایف:

۱. تغییر در سرمایه شرکت
۲. تغییر در اساسنامه
۳. تغییر در مدت شرکت برای انحلال زودتر از موعد
۴. انتشار اوراق قرضه (که نداریم ماده ۶۱ و ۶۲ قانون شرکت‌های سهامی)
۵. تبدیل سهام (۴۳ قانون شرکت‌های سهامی)
۶. تبدیل شرکت از سهامی خاص به سهامی عام

تشکیل جلسات با توجه به ماده ۸۴

حضور دارندگان بیش از یک‌دوم سهام در جلسه اول ضروری است اگر به حدنصاب نرسید جلسه دوم با حضور دارندگان بیش از یک‌سوم سهام رسمیت دارد.

رأی‌گیری: همواره با آرای دوسوم از حاضرین در جلسه رسمی خواهد بود. منظور از آرا یعنی مجموع رأی‌ها. ممکن است شخصی ۱۰۰۰ رأی داشته باشد

۴. نحوه محاسبه اکثریت نسبی اگر شخصی ۱۰ هزار سهم دارد سه نفر یا پنج نفر قرار است مدیر شوند ۱۰۰۰۰ را ضربدر سه یا پنج (تعداد مدیران) می‌کنیم مثلاً می‌شود ۵۰۰۰۰ می‌تواند ۴۰ هزار به یک نفر و ده هزار به دیگری رأی دهد (ماده ۸۸ نیز این را مطرح می‌کند)

۵. که سالانه تشکیل می‌شود

خلاصه حدنصاب‌ها در شرکت سهامی و مجامع آن

رأی‌گیری	جلسه سوم	جلسه دوم	جلسه اول	
دوسوم	حداقل یک‌دوم (۷۵)	حداقل یک‌دوم	حداقل یک‌دوم	مجمع مؤسسين ۷۵
یک‌دوم + یک (۸۸)	X	هر تعداد	بیش از یک‌دوم	مجمع عادی ۸۷
دوسوم (۸۵)	X	بیش از یک‌سوم	بیش از یک‌دوم	مجمع فوق‌العاده ۸۴

انتخاب مدیران

برخی از افراد نمی‌توانند به مدیریت شرکت انتخاب شوند؛ ماده ۱۱۱ قانون شرکت‌های سهامی

۱. محجورین و ورشکستگان
۲. کسانی که به خاطر جنحه یا جنایت به حکم قطعی از حقوق اجتماعی کلاً یا بعضاً محروم شده‌اند در مدت محرومیت مانند سرقت

مدیر باید دارای سهام وثیقه باشد مواد ۱۱۴ و ۱۱۵ و ۱۱۶ سهام وثیقه یعنی سهام با اسم و غیرقابل انتقال

هیئت‌مدیره و مدیرعامل ۱۲۴ قانون شرکت‌های سهامی

مدیرعامل نمی‌تواند درعین حال رئیس هیئت‌مدیره باشد مگر با تصویب سه‌چهارم آرا اعضای حاضر هیئت مجمع عمومی عادی. هیئت‌مدیره لااقل یک نفر را یا تعداد بیشتری را به‌عنوان نماینده برای مدیرعامل شرکت برگزیده و برخی از اختیارات یا کل اختیارات را به او تفویض می‌کند مثلاً برای طرح دعوا علیه یک شخص به جای ۵ نفر هیئت‌مدیره تنها یک نفر اقدام کند

ماده ۱۲۰ قانون شرکت‌های سهامی: وظیفه خاص رئیس هیئت‌مدیره دعوت از صاحبان سهام برای شرکت در جلسات می‌باشد

وظایف و اختیارات مدیران همان است که در مواد قانونی ذکر شده و بیش از آن اختیاراتی ندارند

ماده ۱۲۵ مدیرعامل نماینده شرکت بوده و دارای اختیارات تفویض شده می‌باشد و از طرف شرکت دارای حق امضا می‌باشد

مواد ۱۲۶ تا ۱۲۸ شرایط انتخاب مدیرعامل و اقدامات او را قید کرده است

هر اقدام با ارسال صورت‌جلسه به مرجع ثبت شرکت‌ها باید به اطلاع آن‌ها برسد

مدیران شرکت‌های سهامی اصولاً همه اختیارات را برای مدیریت شرکت دارند مگر این سه مورد

۱. ماده ۱۲۹ به طور مستقیم یا غیرمستقیم طرف معامله با آن‌ها باشند
۲. ماده ۱۳۲ حق اخذ وام و اعتبار از شرکت یا تعهد
۳. ماده ۱۳۳ نظیر همان معاملات را خودشان شخصاً انجام دهند و یا با شرکت رقابت کنند

مدیرعامل همچنین در وظایفی که تصمیم‌گیری آن‌ها متعلق به مجمع عمومی است حق دخالت و تصمیم‌گیری ندارد (این موارد ماده قانونی خاصی ندارد)

در موضوعاتی که در چارچوب اساسنامه شرکت نیست نمی‌توانند وارد شوند این مطلب را قبلاً درباره اهلیت تمتع اشخاص حقوقی ذکر کردیم. در آنجایی که ذکر شده دو استثنا دارد ۱. در چارچوب اساسنامه شرکت ۲. مواردی که خاص اشخاص حقیقی است
مثال شرکتی که موضوع آن احداث آزادراه قم ساوه است، اقدام به واردات ماشین‌آلات صنعتی کرده است. اگر در اساسنامه شرکت نباشد نباید به این امر اقدام نماید. (دو مورد اخیر از قوانین و مواد پراکنده جمع‌آوری شده است)

مسئولیت مدیران در شرکت‌های سهامی مواد ۱۴۲ و ۱۴۳ و ۲۷۰ و ۲۷۳

مسئولیت مدیران

۱. در مقابل شرکت‌ها

۲. در مقابل اشخاص ثالث

در مقابل اشخاص ثالث نماینده شرکت محسوب می‌شوند لذا اگر در چارچوب و طبق وظایف قانونی عمل کند امین محسوب بوده و اصل بر عدم تقصیر و عدم مسئولیت است مگر اینکه خلافش ثابت شود

مثال مدیر شرکت قراردادی با ژاپن امضا کرده وقتی تحریم شد طرف ژاپنی در مقابل شرکت ایرانی تعهداتش عمل نمی‌کند لذا شرکت ایرانی هم نمی‌تواند به تعهدات خودش عمل کند. چون وظایفش را انجام داده مسئولیتی ندارد.

در فرضی که او محدود بوده که با کشورهای دیگر قرارداد امضا نکند متخلف محسوب شده در این صورت ضامن خسارات وارده می‌باشد
ماده ۱۴۲

ضامن بودن خسارات اگر از مدیران یک نفر تخلف کرد منفرداً و اگر همگی تخلف کردند مشترک ضامن می‌باشند. مطابق ماده ۱۴۳ و ۲۷۰ و شکستگی که معلول تخلفات مدیران بوده ضامن آن هستند

ماده ۲۷۰: مدیران و مؤسسان در قبال ذینفعان نمی‌توانند به انحلال آن استناد کنند

ماده ۲۷۳: کسانی که مسئول بطلان هستند متضامناً مسئول خسارات خواهند بود

ارکان شرکت‌های سهامی

۱. تصمیم‌گیرنده: مجامع عمومی (عادی / مؤسسين / فوق‌العاده)

۲. اداره‌کننده: مدیرعامل و هیات مدیره

۳. کنترل‌کننده: بازرسان

وظیفه انتخاب اولین بازرس بر عهده مجمع مؤسسين و بازرسان بعدی بر عهده مجمع عادی است ۱۴۴ و ۱۴۵

انتخاب بازرس یا بازرسان علی‌البدل در شرکت‌های سهامی ضروری و الزامی است اما انتخاب هیئت‌مدیره علی‌البدل اختیاری است ۱۴۶

تکالیف بازرسان مواد ۹۱ و ۹۲ و ۹۵ به این وظایف اشاره دارند

۱. دعوت که بحث آن گذشت. اگر مدیران دعوت را انجام ندادند وظیفه بازرس خواهد بود

۲. نظارت: مواد ۱۱۷ و ۱۵۱: هرگونه تخلف از مقررات قانونی و اساسنامه شرکت باید به مجمع عمومی عادی گزارش داده شود.
۳. ارائه گزارش: اگر جرم مشاهده کنند باید به مرجع قضایی و مجمع عمومی گزارش دهند. ۱۴۸

تغییر سرمایه:

۱. کاهش سرمایه
 ۲. افزایش سرمایه (در مجمع عمومی فوق العاده باید تصویب و اقدام شود)
- أ) صدور سهام جدید: افزایش سهام موجود به پیشنهاد هیئت مدیره صورت می گیرد که در آن سهام جدید سهام جدید صادر می شود و مبلغ اسمی سهام به همان صورت باقی می ماند ولی شرکت ممکن است در اثر رونق اقتصادی مبلغی را علاوه بر مبلغ اسمی مطالبه نماید مثلاً هزار تومان مبلغ اسمی، ۵ هزار تومان مبلغ واقعی
- ب) افزایش سهام موجود یعنی شرکت سهام جدید منتشر نمی کند بلکه مبلغ اسمی همان سهام موجود را افزایش می دهد

کاهش سرمایه

۱. اختیاری ماده ۱۹۲
۲. اجباری ۱۸۹
۳. قضایی ۳۳

انحلال شرکت سهامی ماده ۱۹۹

۱. غیرممکن شدن موضوع فعالیت شرکت
۲. اتمام زمان و عدم تمدید آن
۳. ورشکستگی
۴. اعلام علنی انحلال توسط مجمع فوق العاده
۵. صدور حکم قطعی دادگاه

شرکت های مختلط سهامی غیر سهامی ۱۶۲ و ۱۴۱ تا ۱۶۱

در شرکت مختلط غیر سهامی برخی از شرکا ضامن و برخی دیگر با مسئولیت محدود هستند مثال:

احمد ۱ میلیون و حسین ۳ میلیون به عنوان شریک ضامن

رضا ۳ میلیون و تقی ۳ میلیون با مسئولیت محدود

دارایی شرکت ۱۰ میلیون شد. بر فرض اگر بدهی شرکت ۱۰۰ میلیون باشد مسئولیت هر کدام از افراد چقدر است؟

با توجه به کمبود ۹۰ میلیون، تومان احمد و حسین هر کدام در قبال ۹۰ میلیون تومان ضامن هستند اما رضا و تقی هر کدام صفر ضامن هستند (یعنی ضامن نیستند) چون تنها ریسک آنها آورده اولیه بود که از بین رفته است.

مدیریت و اداره شرکت بر عهده شرکای ضامن است شرکا با مسئولیت محدود حق مداخله در امور مدیریت و اداره شرکت را ندارد

عبارت مختلط + حداقل نام یکی از شرکای ضامن باید در نام شرکت ذکر شود.

مقررات این شرکت تابع شرکت‌نامه خواهد بود. شرکت‌نامه به تنهایی ملاک شرکت شخص یا شرکت سرمایه نمی‌باشد بلکه ملاک، میزان مسئولیت شرکا می‌باشد.

ارگان تصمیم‌گیرنده: در قانون تجارت مواد مستقلی ندارد که مجامع عمومی را پیش‌بینی کرده باشد لذا به نظر می‌رسد که مانع از آن نیست که مجامع مذکور با استفاده از قوانین شرکت‌های سهامی عام و خاص در نظر گرفته و در اینجا استفاده شود و به اساسنامه شرکت اضافه شود

انحلال شرکت مختلط غیرسهامی در ماده ۱۶۱ ق. ت ارجاع داده به ماده ۱۳۶ تا ۱۴۰

- أ) فقرات ۱ و ۲ و ۳ ماده ۱۹۹ قانون شرکت‌های سهامی یا ۹۳ قانون تجارت
۱. وقتی که شرکت تضامنی برای انجام موضوعی تشکیل شده و آن موضوع انجام شود یا انجامش غیرممکن شود مثلاً با تصویب قانون جدید
 ۲. وقتی که مدت شرکت منقضی شده باشد
 ۳. وقتی که شرکت ورشکسته شده باشد. (زمانی شرکت ورشکسته می‌شود که حکم ورشکستگی است از دادگاه صالح صادر شده باشد ماده ۴۱۲)
- ب) وقتی که تمام شرکا تراضی داشته باشند و موافق با انحلال باشند
- ج) وقتی که یکی از شرکا به دلایلی درخواست انحلال شرکت را از دادگاه نماید و موجه بودن آن دلیل در دادگاه تشخیص داده شود. مثال حسین مدیر شرکت است و وظایف مدیر شرکت را به نحو احسن انجام نمی‌دهد یکی از شرکا در دادگاه انحلال شرکت را به این دلیل بخواهد. دادگاه بررسی کرده و موجه و صحیح تشخیص دهد؛ حکم به انحلال شرکت می‌دهد
- د) در صورت فسخ شرکت توسط یکی از شرکا مطابق ماده ۱۳۷ قانون تجارت.
- ه) ورشکستگی یکی از شرکا
- و) فوت یا محجوریت یکی از شرکای ضامن (مرگ یا محجوریت یا ورشکستگی شریک یا شرکا با مسئولیت محدود موجب انحلال شرکت نمی‌شود).

شرکت مختلط سهامی دو نوع شریک دارد ۱. شریک ضامن ۲. سهامی ماده ۱۶۲

مثال:

احمد ۱ میلیون و حسین ۳ میلیون به عنوان شریک ضامن

رضا ۳ میلیون و تقی ۳ میلیون به عنوان شریک سهامی

در این شرکت آورده شرکای سهامی یعنی شش میلیون تومان به سهام تبدیل می‌شود و عیناً همان مواردی که در شرکت سهامی مطرح شد در این موارد مطرح است. مثل قابل نقل و انتقال بودن بانام در اداره و بی‌نام متوسط قبض و اقباض

اگر شرکت ۱۰۰ میلیون بدهی داشته باشد مسئولیت شرکا چقدر است؟

طبق اصل استقلال مالی به خود شرکت مراجعه کرده و مثلاً ۱۰ میلیون دارای شرکت ابتدا اخذ می‌شود

برای باقی‌مانده دیون ۹۰ میلیون احمد و حسین ۹۰ میلیون تومان ضامن هستند رضا و تقی هیچ مسئولیتی ندارد. تنها تفاوت شرکت مختلط سهامی در تبدیل شدن سهام شرکت سهامی و همچنین اسم و مسئولیت و... می‌باشد

ماده ۱۶۵ هیئت نظار مرکب از حداقل سه نفر

مواد ۱۶۲ تا ۱۸۳ مطالعه شود در رابطه با کل مباحث شرکت‌های مختلط سهامی

در برخی مواد مثل ۱۶۵ به صورت جسته‌گریخته به مجمع عمومی اشاره کرده است لذا می‌توانیم به مقررات مجمع عمومی مراجعه کنیم در حالی که هیچ ماده مستقلی برای تشکیل مجامع عمومی برای شرکت‌های مختلط سهامی و غیرسهامی نداریم مواد ۱۸۲ و ۱۸۱ و ۱۸۰ و ۱۶۹ و

ماده ۱۷۰ اطلاع از بیلان مالی و صورت دارایی و گزارش هیئت نظارت توسط صاحب‌سهم به مجمع عمومی عادی و فوق‌العاده برای تصمیم‌گیری‌های لازم

موارد انحلال ماده ۱۸۱

۱ و ۲ و ۳ ماده ۹۳

تصمیم مجمع عمومی اگر در حیطة وظایفش باشد با اکثریت آرا

تصمیم مجمع عمومی و رضایت شرکای ضامن با اکثریت آرا

فوت یا محجوریت یکی از شرکا ضامن

شرکت تعاونی (قانون بخش تعاونی اقتصاد - فقط سه چهار ماده در قانون تجارت در این موضوع وجود دارد)

شرکت متشکل از افراد حقیقی یا حقوقی جهت رفع نیازمندی‌های مشترک برای بهبود وضع اقتصادی و اجتماعی شرکا جهت رسیدن به عدالت اجتماعی

تشکیل: حداقل یک‌سوم سرمایه آن باید تأدیه شده باشد. در صورت غیر نقدی بودن و جنس بودن سرمایه تقویم و تقدیم شده باشد زمان تشکیل وقتی است که یک‌سوم سرمایه تأمین شده باشد. ثبت در مرجع ثبت شرکت‌ها برای رسمیت یافتن و شناسایی شرکت است

از ۱۰۰ درصد سرمایه حداقل ۵۱٪ توسط اعضا تا ۱۰۰٪

۴۹٪ وام بدون بهره: البته وام‌دهندگان عضو نمی‌باشد تأمین‌کننده منبع هستند فقط

برای تشکیل شرکت تعاونی حداقل ۷ نفر برای هیئت مؤسس نیاز است

طرحی به‌عنوان اساسنامه آن نوشته می‌شود در طرح نوشته شده باید به طور مفصل و دقیق همه جزئیات قید شود مثلاً تعداد دستگاه‌ها و ماشین‌آلات ساخت داخلی یا خارجی میزان مصرف برق در سال مواد اولیه لازم آب مصرفی در سال تعداد کارگر مورد نیاز

همچنین تمامی محدوده مورد نیاز برای فعالیت شرکت باید به ریز جزئیات ذکر و بیان شود

محدوده و مرکز عملیات به همراه نشانی، مدت شرکت میزان سرمایه شرکت، شرایط عمومی عضویت، تابعیت باید مشخص و ذکر شود

اساسنامه مطابق قانون است و هیچ چیز جای آن ندارد و مغایر با آنکه زن می‌تواند باشد موارد انحلال نیز باید ذکر شود هیئت‌مدیره برخی یا کل وظایف را به مدیرعامل می‌تواند تفویض کند بازرس برای مدت یک سال انتخاب می‌شود

ارکان شرکت تعاونی

۱. مجمع عمومی
۲. هیئت مدیره
۳. بازرس یا بازرسان

وظایف هر کدام در آیین نامه برگزاری مجامع عمومی بیان شده

تغییر در اساسنامه باید با صورت جلسه به مرجع ثبت شرکتها ارسال و در روزنامه رسمی منتشر شود مثل تغییر در سرمایه

وظایف مجمع عمومی در ماده ۱۷

تشکیل شرکت بر اساس تصمیم هیئت مؤسس که حداقل ۷ نفرند می باشد. سه نفر از این افراد به عنوان مجمع مؤسس انتخاب می شوند. این سه نفر برای انجام کارها یک نفر را انتخاب می کنند تا دنبال اخذ مجوزهای لازم برود و کارها را انجام دهد

طرح توجیهی: طرح اولیه آماده شده که به تأیید وزارت صنایع باید برسد!

مجمع عمومی عادی برای یک سال بازرس انتخاب می کند تعداد مشخص نشده است

وظیفه بازرس ماده ۴۱

۱. نظارت بر قوانین و مقررات
۲. رسیدگی به حسابها و گزارشها
۳. رسیدگی به شکایات اعضا
۴. تذکر کتبی به هیات مدیره در صورت تخلف
۵. رسیدگی به گزارشها رسیده و ارسال گزارش

انحلال نیز در ماده ۵۴ ذکر شده است

۱. انقضاء مدت
۲. توقف فعالیت یک سال بدون عذر
۳. ورشکستگی و...

اقسام شرکت تعاونی

۱. تولیدی
۲. توزیع
۳. تعاونی فراگیر ملی
۴. تعاونی سهامی عام

تعریف

عرفی: شخصی که نتوانسته بدهی‌اش را پرداخت کند.

حقوقی: علاوه بر عدم تأدیه وجوهی که بر عهده تاجر بوده، تا زمانی که حکم ورشکستگی تاجر (حقیقی / حقوقی) از طرف دادگاه صالح همان حوزه اقامت شخص صادر شود، نمی‌توان او را ورشکسته نامید.

شخص حقیقی تاجر: شخصی که شغل معمول خود را یکی از اعمال ماده ۲ ق.ت قرار داده است.

شخص حقوقی تاجر: شرکت‌های ثبت شده در ماده ۲۰ ق.ت

چه زمانی حکم ورشکستگی صادر می‌شود؟ در واقع شرایط ورشکستگی چیست؟

۱. در نتیجه توقف تاجر از تأدیه وجوهی است که بر عهده اوست.

۲. با صدور حکم ورشکستگی از دادگاه صالح حوزه قضایی.

ماده ۴۱۲ ق.ت حکم ورشکستگی را به طور مطلق بیان نموده و شرایط ورشکستگی، به طور تفصیلی تبیین خواهد شد.

مثال: احمد کارخانه داد است (بند ۴ ماده ۲ ق.ت) یعنی تاجر می‌باشد. یک خرید مواد اولیه به ارزش ۱۰۰ میلیون انجام داده است، از پرداخت آن ناتوان بوده و وجهی را پرداخت نکرده است. طلبکار به بانک مراجعه و گواهینامه عدم پرداخت صادر می‌شود. طلبکار مراجعه به دادگاه نموده و شکایت می‌کند و دادخواست ورشکستگی می‌دهد. دادگاه بررسی نموده و حکم ورشکستگی را صادر می‌کند. (چرخه اعلام ورشکستگی به طور کامل قبلاً بیان شده است).

فرضاً کارخانه‌ای به ارزش ۲۰ میلیارد دارد، خانه‌اش هم ۳۰ میلیارد می‌ارزد. وظیفه دادگاه در اینجا این نیست که بررسی کند. همین که بدهی احمد و عدم پرداخت وجه را احراز نماید، حکم ورشکستگی را صادر خواهد نمود.

مدنظر قانون‌گذار منشأ بدهی، مبلغ بدهی، دارایی و ... نیست. تنها ملاک دادگاه این است که شخص از تأدیه وجود متوقف شده است.

❖ برخی از نظام‌های حقوقی مثل انگلیس، حداقل مبلغی را برای صدور حکم ورشکستگی مقرر کرده‌اند، مثلاً ۷۰۰ پوند. بدهی‌های کمتر از این مبلغ را حکم ورشکستگی صادر نمی‌کنند. اما در نظام ایران این‌طور نیست، هر مبلغی که باشد ورشکسته محسوب شده و حکم ورشکستگی صادر می‌شود.

انواع ورشکستگی:

۱. **عادی:** نه جرم است و نه مجازات دارد و در دادگاه حقوقی بررسی می‌شود.

۲. **به تقصیر:** مواد ۵۴۱ و ۵۴۲ ق.ت و ۶۷۱ ق.ت.تجزیرات. که در دادگاه‌های جزایی بررسی می‌شود. این جرم از ۶ ماه تا ۲ سال حبس تعزیری در بر خواهد داشت.

۳. **به تقلب:** ۵۴۹ ق.ت که در دادگاه‌های جزایی بررسی شده و از ۱ تا ۵ سال حبس تعزیری می‌تواند دربر داشته باشد.

❖ در موارد ماده ۵۴۱ حتماً باید از سوی دادگاه، حکم ورشکستگی به تقصیر صادر شود، اما در موارد ماده ۵۴۲ دادگاه برای اختیار دارد به تشخیص دادگاه بستگی دارد.

مواردی که باید ورشکستگی به تقصیر صادر شود. ماده ۵۴۱:

۱. در صورتی که محقق شود مخارج شخصی یا مخارج خانه مشارالیه در ایام عادی بالنسبه به عایدی او فوق‌العاده بوده است.

۲. در صورتی که محقق شود که تاجر نسبت به سرمایه خود مبالغ عمده صرف معاملاتی کرده که در عرف تجارت موهوم یا نفع آن منوط به اتفاق محض است

۳. اگر به قصد تاخیر انداختن ورشکستگی خود خریدی بالاتر یا فروشی نازلتر از مظنه روز کرده باشد یا اگر به همان قصد وسائلی که دور از صرفه است بکار برده تا تحصیل وجهی نماید اعم از اینکه از راه استقراض یا صدور برات یا بطریق دیگر باشد.
۴. اگر یکی از طلبکارها را پس از تاریخ توقف بر سایرین ترجیح داده و طلب او را پرداخته باشد.

مواردی که می‌تواند ورشکستگی به تقصیر اعلام شود: ماده ۵۴۲

۱. اگر به حساب دیگری و بدون آنکه در مقابل عوضی دریافت نماید تعهداتی کرده باشد که نظریه وضعیت مالی او در حین انجام آنها آن تعهدات فوق العاده باشد.
۲. اگر عملیات تجارتي او متوقف شده و در ظرف ۳ روز از تاریخ وقفه که در تادیه قروض یا سایر تعهدات نقدی او حاصل شده، توقف خود را به دفتر محکمه بدایت محل اقامت خود اظهار ننموده و صورت حساب دارائی و کلیه دفاتر تجارتي خود را به دفتر محکمه مزبور تسلیم ننموده باشد.
۳. اگر دفتر نداشته یا دفاتر او ناقص یا بی ترتیب بوده یا در صورت دارائی وضعیت حقیقی خود را اعم از قروض و مطالبات بطور صریح معین نکرده باشد (مشروط بر اینکه در این موارد مرتکب تقلبی نشده باشد).

ماده ۵۴۳ ق.ت: ورشکستگی به تقصیر جنحه محسوب و مجازات آن از ۶ ماه تا سه سال حبس تأدیبی است.

ورشکستگی به تقلب: مواضعه و تبانی کردن (ماده ۵۴۹ ق.ت)

ماده ۴۱۳ ق.ت: تاجر باید در ظرف سه روز از تاریخ وقفه که در تأدیه قروض یا سایر تعهدات نقدی او حاصل شده است توقف خود را به دفتر محکمه بدایت محل اقامت خود اظهار نموده صورت حساب دارایی و کلیه دفاتر تجارتي خود را به دفتر محکمه مزبوره تسلیم نماید. صورت حساب دارایی بر اساس ماده ۴۱۴ می‌باشد.

اگرچه زمان ۳ روز برای ارائه موارد ماده ۴۱۴ بسیار زمان کمی است، اما باید به دادگاه ارائه شود. این موارد بر طبق ماده ۴۱۴ عبارت‌اند از:

۱. تعداد و تقویم کلیه اموال منقول و غیر منقول تاجر متوقف به طور مشروح.
۲. صورت کلیه قروض و مطالبات.
۳. صورت نفع و ضرر و صورت مخارج شخصی.

ممکن است شخصی ذینفع مادی باشد، ولی ذینفع حقوقی نباشد. مراد از اشخاص ذینفع، ذینفع حقوقی است نه ذینفع مادی. کاری به ذینفع مادی نداریم.

مثال برای ذینفع مادی: مثلاً صاحب مال به شما اجازه می‌دهد که از اموال و میوه‌های باغ، برای خودتان بردارید. ولی قبل از شما، شخص دیگری این میوه‌ها را تصرف کند. شما ذینفع مادی هستید، ولی ذینفع حقوقی نیستید. از اینرو نمی‌توانید بر علیه شخص متصرف اقامه دعوی نمایید.

اشخاص ذینفع در طرح دعوای ورشکستگی: ماده ۴۱۵ ق.ت

۱. بر حسب اظهار خود تاجر.
 ۲. به موجب تقاضای یک یا چند نفر از طلبکارها.
 ۳. بر حسب تقاضای مدعی العموم بدایت.
- علت تقاضا توسط طلبکاران: چون اموال کنونی تاجر ممکن است تا ۸۰٪ از طلب آنها را تحت پوشش قرار دهد، اما در سال آینده همین اموال، نهایتاً ۵۰٪ از طلب آنها را پوش دهد، لذا می‌تواند اقامه دعوی نمایند.

مواردی که در رأی دادگاه باید ذکر شود:

۱. احراز شرایط مقرر در ماده ۴۱۲ ق.ت

a. به چه دلیل شخص تاجر است: فرضاً چون کارخانه دار است یا متصدی حمل و نقل است. ماده ۲ ق.ت

b. کدامیک از بدهی‌های مسلم خود را نپرداخته است

۲. قائم مقام شدن ارگان تصفیه که اعم از مدیر تصفیه و اداره تصفیه امور ورشکستگی می‌باشد. مدیر تصفیه اگر در شهری

باشد، دیگر نوبت به مدیر تصفیه نخواهد رسید.

چرا که طبق ماده ۴۱۸ ق.ت، تاجر پس از ورشکستگی، از تصرف در اموال خودش ممنوع المداخله می‌شود.

تعیین مدیر تصفیه بر طبق ماده ۴۴۰ ق.ت:

• یا در همان حکم ورشکستگی معین می‌گردد.

• یا ظرف ۵ روز از صدور حکم ورشکستگی باید مشخص شود.

مثال: تاریخ صدور حکم ورشکستگی مثلاً ۱۳۹۷/۰۵/۰۷ بوده. نهایتاً تا مورخ ۱۳۹۷/۰۵/۱۲ باید مشخص شود که مدیر تصفیه کیست.

ماده ۱۵ قانون نحوه اجرای محکومیت مالی: دادخواست اعسار از تجار و اشخاص حقوقی پذیرفته نمی‌شود. این اشخاص در صورتی که مدعی اعسار باشند باید رسیدگی به امر ورشکستگی خود را درخواست کنند.

آیا شخص حقوقی هم می‌تواند به‌عنوان مدیر تصفیه قرار بگیرد؟

بله، بهتر است که مدیر تصفیه، شخص حقوقی نباشد، چرا که نمایندگی کار مشکلی است و از عهده هر شخص بر نمی‌آید. چرا که باید:

ا. امین باشد

ب. اطلاعات کاملی داشته باشد.

داشتن اطلاعات توسط شخص حقیقی، بیشتر به ذهن مأنوس است. انتخاب مدیر تصفیه توسط دادگاه می‌باشد. ناظر تصفیه از کارمندان دادگستری است.

۳. سومین موردی که در رأی دادگاه ذکر می‌شود، امر به مهر و موم اموال تاجر است. ۴۳۳ ق.ت

مهر و موم باید فوراً توسط عضو ناظر به عمل آید مگر در صورتی که به عقیده عضو مزبور برداشتن صورت دارایی تاجر در یک روز ممکن باشد در این صورت باید فوراً شروع به برداشتن صورت شود.

حجره‌ها، انبارها، صندوق، اسناد، دفاتر، نوشته جات، اسباب و اثاثیه تجارتخانه و منزل تاجر باید مهر و موم شود. مستثنیات دین از این امر مستثنی بوده و مهر و موم نمی‌شوند. بر طبق ماده ۲۴ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی، مستثنیات عبارت‌اند از:

الف - منزل مسکونی که عرفاً در شأن محکوم علیه در حالت اعسار او باشد.

ب - اثاثیه مورد نیاز زندگی که برای رفع حوائج ضروری محکوم علیه و افراد تحت تکفل وی لازم است.

ج - آذوقه موجود به قدر احتیاج محکوم علیه و افراد تحت تکفل وی برای مدتی که عرفاً آذوقه ذخیره می‌شود.

د - کتب و ابزار علمی و تحقیقاتی برای اهل علم و تحقیق متناسب با شأن آن‌ها

ه - وسایل و ابزار کار کسبه، پیشه‌وران، کشاورزان و سایر اشخاص که برای امرار معاش ضروری آن‌ها و افراد تحت تکفلشان لازم است.

و - تلفن مورد نیاز مدیون

ز - مبلغی که در ضمن عقد اجاره به موجر پرداخت می‌شود، مشروط بر اینکه پرداخت اجاره بها بدون آن موجب عسر و حرج گردد و عین مستأجره مورد نیاز مدیون بوده و بالاتر از شأن او نباشد.

❖ قبلاً ماشین هم جزو مستثنیات دین بود، در قانون جدید، ماشین را از آن حذف نموده‌اند. مستثنیات دین باید در شان یک شخص ورشکسته باشد. از اینرو اگر یک باب منزل ۲۰ میلیاردی دارد، الزام به فروش خانه و ادای دین خواهد شد.

مهر و موم = صورت برداری از اموال تاجر

ماده ۴۱۷ ق.ت: حکم ورشکستگی به طور موقت اجرا می‌شود: یعنی چون احتمال دارد رأی دادگاه در مرحله بعد شکسته شود، هیچ دخل و تصرفی در اموال صورت نمی‌گیرد و فقط مهر و موم می‌شود. با این تفاسیر مشخص می‌شود که باید این عمل به نحوی باشد که اعاده وضع به سابق ممکن باشد. به عبارت دیگر:

به موجب ماده ۴۳۳ ق.ت دادگاه در کم خود، امر به مهر و موم ترکه می‌نماید. و در ماده ۴۱۷ ق.ت مقدر شده که باید این امر به صورت موقت اجرا شود. اگرچه عبارت به کار رفته در ۲ ماده مذکور متفاوت است، لیکن هر ۲ مفهوم واحدی را القا می‌کنند. اجرای موقت حکم، متضمن کلیه اقداماتی است که اگر حکم در مرحله بعدی نقض شد، اعاده وضع به حالت سابق امکان پذیر باشد؛ و مهر و موم نیز همین معنی را به ذهن متبادر می‌سازد. و در هر دو مورد، منظور، اعمالی است که نتیجه آن محافظت از دارائی‌های تاجر باشد و لازمه مهر و موم یا اجرای موقت حکم، صورت برداری از دارایی‌های تاجر است.

لازم به توضیح است که در پاره‌ای از مواد، اقتضا دارد که اموال فاسد شدنی و مانند آن به فروش رفته و حاصل فروش، نگهداری شود.

۴. ممکن است در رأی، دستور توقیف تاجر ورشکسته نیز صادر شود (امکان دارد). مربوط به ماده ۴۳۵ که می‌گوید اگر به مواد ۴۱۳ و ۴۱۴ عمل نکرده باشد.

۵. تعیین عضو ناظر (ماده ۴۲۷). نظارت بر مدیر تصفیه که اگر او دچار تخطی شد، راپرت دهد.

۶. تعیین وضعیت تاریخ توقف تاجر (ماده ق.ت) مثلاً تاجر در ۱۳۹۶/۰۶/۲۰ متوقف شده، ولی در تاریخ ۱۳۹۷/۰۵/۱۳ رأی صادر شده، همان تاریخ صدور رأی ورشکستگی ملاک می‌باشد.

دلیل: درخواست فسخ یا ابطال برخی از معاملات.

نکته: اگر تاریخ متوقف شدن برای دادگاه به هر دلیلی مشخص نشود، تاریخ صدور حکم توقف همان تاریخ توقف محسوب می‌شود.

اثر حقوقی حکم ورشکستگی

أ. نسبت به خود تاجر

- ممنوع المداخله در اموال و امور مالی خودش خواهد شد ۴۱۸ ق.ت. که قبلاً بیان شد بغیر از مستثنیات دین می‌باشد. قبلاً به ماده ۴۴۴ ارجاع داده می‌شد. الان به ماده ۲۴ نحوه اجرای محکومیت مالی
- قائم مقام شدن مدیر تصفیه ۴۱۸ ق.ت و ۴۴۰ ق.ت
- ممنوعیت از طرح دعوی یا طرف دعوی شدن. ماده ۴۱۹ ق.ت
- سلب اعتبار تاجر. برای اعاده اعتبار، به مواد ۵۶۱ به بعد مراجعه شود.

ب. نسبت به مداخلات و معاملات تاجر ورشکسته

این بخش به ۳ دوره تقسیم می‌شود که بررسی خواهد شد.

۱. دوره قبل از توقف تاجر ورشکسته

۲. از تاریخ توقف تا تاریخ صدور حکم ورشکستگی

۳. پس از صدور تاریخ ورشکستگی

سؤال: احمد که متصدی حمل و نقل است، در پرداخت دیون خود که مبلغ ۵۰۰ میلیون تومان است متوقف شده است. در تاریخ ۱۳۹۴/۲۰/۰۴ حکم ورشکستگی او صادر شده باشد. در حکم مذکور تاریخ توقف احمد ۱۳۹۳/۰۶/۱۵ تعیین شده است:

أ. در دوره اول (قبل از توقف) اصل بر صحت معاملات است مگر معاملاتی که مشمول مقررات مواد ۴۲۴ - ۴۲۵ و ۴۲۶ ق.ت. شود. این قوانین مربوط به معاملات قابل فسخ و معاملات قابل ابطال است.

ماده ۴۲۴ ق.ت: هر گاه در نتیجه اقامه دعوی از طرف مدیر تصفیه یا طلبکاری بر اشخاصی که با تاجر طرف معامله بوده یا بر قائم مقام قانونی آن‌ها ثابت شود تاجر متوقف قبل از تاریخ توقف خود برای فرار از ادای دین یا برای اضرار به طلبکارها معامله نموده که متضمن ضرری بیش از ربع قیمت حین معامله بوده است آن معامله قابل فسخ است مگر اینکه طرف معامله قبل از صدور حکم فسخ تفاوت قیمت را بپردازد دعوی فسخ در ظرف دوسال از تاریخ وقوع معامله در محکمه پذیرفته می‌شود.

نکات مربوط به این بخش:

- ❖ برای اضرار یا فرار از ادای دین. اضرار منظور ضرری بیش از یک چهارم حین معامله است.
- ❖ تا ۲ سال این معامله قابل فسخ است. مگر آن که طرف معامله، قبل از صدور حکم فسخ، تفاوت قیمت را بپردازد.
- ❖ ضرر تا یک چهارم قابل مسامحه و اغماض می‌باشد. مثلاً ماشین ۱۰۰ میلیون تومانی را ۷۵ میلیون تومان یا بیشتر بفروشد که قابل اغماض می‌باشد.
- ❖ اگر قصد اضرار یا فرار از دین نباشد. مثلاً همسرش مریض بوده، و می‌خواسته پول جور کند، حتی اگر یک‌دوم قیمت هم بفروشد، معامله فسخ نمی‌شود.
- ❖ قیمت را کارشناس دادگستری معین می‌کند.
- ❖ برای جلوگیری از فسخ توسط طرف معامله، مابه‌التفاوت تا قیمت واقعی باید پرداخت شود. نه سه‌چهارم قیمت. بطور مثال: اگر ماشین در تاریخ فروش ۱۰۰ میلیون بوده ولی به ۷۰ میلیون معامله شده، الان ماشین ۵۰۰ میلیون می‌ارزد: تا قبل از صدور حکم فسخ، اگر ۳۰ میلیون بپردازد، معامله فسخ نمی‌شود. عملاً تا زمانی که حکم قطعی صادر نشده است، می‌تواند ما به التفاوت را پرداخت نماید.

ماده ۴۲۵ ق.ت: هر گاه محکمه به موجب ماده قبل حکم فسخ معامله را صادر نماید محکوم علیه باید پس از قطعی شدن حکم مالی را که موضوع معامله بوده است عیناً به مدیر تصفیه تسلیم و قیمت حین معامله آن را قبل از آنکه دارایی تاجر به غرماً تقسیم شود دریافت دارد و اگر عین مال مزبور در تصرف او نباشد تفاوت قیمت را خواهد داد.

نکات مربوط به این بخش:

- ❖ در مواد ۴۲۴ و ۴۲۵ اصل بر عدم سوء نیت تاجر قرار داده شده است.
- ❖ در ماده ۴۲۵ پس از حکم فسخ معامله در ماده ۴۲۴، محکوم علیه باید مال را عیناً به مدیر تصفیه تسلیم و قیمت حین معامله (قبل از بدهی غرماً) را اخذ کند.
- ❖ نسبت بین دارائی و بدهی: مثلاً ۱۰۰ میلیون دارائی دارد، یک میلیارد هم بدهی دارد. یعنی نسبت یک دهم از بدهی خود به هر شخص را باید پرداخت کند. در این مثال، اگر شخصی ۲۰۰ میلیون از او طلبکار است، باید ۲۰ میلیون تومان به او پرداخت شود. البته این در صورتی است که همه طلبکاران را طلبکار عادی فرض نمائیم.

نکته: سه نوع طلبکار وجود دارد:

طلبکار با وثیقه

طلبکار ممتاز

طلبکار عادی: فرض ما در مثال بالا در صورتی است که همه طلبکاران را طلبکار عادی فرض نمائیم.

در رابطه با ماده ۴۲۵، اگر عین مال در دست افراد نبود، تفاوت قیمت را باید پرداخت نمایند. مثلاً اگر عین مال فروخته شده یا تلف شده. در حکم تلف حکمی است.

ماده ۴۲۶ ق.ت: اگر در محکمه ثابت شود که معامله به طور صوری یا مسبوق به تبانی بوده است آن معامله خود به خود باطل – عین و منافع مالی که موضوع معامله بوده مسترد و طرف معامله اگر طلبکار شود جزو غرماً حصه خواهد بود.

در ماده ۴۲۶ منظور از معامله صوری، معامله‌ای است که در ظاهر ارکان یک عقد صحیح را دارد، اما در عالم واقع برای خارج کردن اموال از دسترس طلبکاران (یعنی فاقد قصد معامله) صورت می‌گیرد. به طور مثال به یک شخص از نزدیکان یا فامیل یا دوستان خود که مورد اعتمادش هستند، یک دستگاه آپارتمان را به قیمت ۳۰۰ میلیون تومان بفروشد، در دفتر ثبت اسناد هم به ثبت برساند و اقرار به دریافت ثمن نیز بکند. ظاهراً که همه ارکان عقد بیع را دارا است ولی معامله صوری است که قصد فروش خانه را ندارد. معامله مسبوق به تبانی: افرادی که مورد وثوق هستند، با توافق قبلی و برای فرار از دین، معامله را انجام دهند. تذکر: وقتی که می‌گویند اگر طلبکار شود، جزو غرما حصه ای خواهد برد، یعنی اینکه حتی در این صورت هم اصل را بر عدم سوء نیت شخص گذاشته است.

در قانون برای این مورد زمانی هم مشخص نکرده است؛ چه ۲ سال و چه بیشتر. در صورت فسخ معامله، هم اصل آپارتمان و هم منافع آن (اجرت المثل) آن را باید پرداخت نماید. اگر در حین سکونت، برای آپارتمان مورد معامله، به طور مثال ۲۰ میلیون تومان هزینه لوله کشی آب نموده است و هزینه کرد او در دادگاه ارائه شده و قبول شده باشد، آیا میت وان این ۲۰ میلیون را با اجرت المثل تهاتر کند؟ خیر نمی‌تواند. باید جزو غرما حصه ببرد. چون سوء نیت داشته.

ب. دوره دوم، از تاریخ توقف تا صدور حکم ورشکستگی

به این دوره، دوره مشکوک می‌گویند (ماده ۴۲۳ ق.ت) معاملات و مداخلات تاجر، در ۳ دسته ذیل باطل و بلا اثر خواهد بود:

۱. هر صلح محاباتی یا هبه و به طور کلی هر نقل و انتقال بلاعوض اعم از اینکه راجع به منقول یا غیر منقول باشد.
۲. تأدیه هر قرض اعم از حال یا مؤجل به هر وسیله که به عمل آمده باشد.
۳. هر معامله که مالی از اموال منقول یا غیر منقول تاجر را مقید نماید و به ضرر طلبکاران تمام شود.

توضیحات مربوط به این ۳ بند:

صلح محاباتی: صلح با مسامحه. با عوض خیلی کم و ناچیز. مثلاً خانه ۵۰۰ میلیونی را با یک کیلوگرم نبات صلح کردن.

در هبه غیر معوض، عوض وجود ندارد ولی در صلح محاباتی عوض وجود دارد اما اندک است.

در هبه معوض، اگر عوض ناچیز باشد که مثل صلح محاباتی می‌شود. هبه معوض یا صلح معوض که عوض مناسبی داشته باشد و باعث ضرر به غرما نشود، باطل نیست.

منظور از تأدیه قرض: پرداخت دیون تاجر مثلاً به یکی از طلبکاران بعد از توقف می‌باشد. این عمل با اصل تساوی همه طلبکاران منافات دارد، یعنی ترجیح بلا مرجح بوده و باطل خواهد بود.

تأدیه قرض به هر ترتیبی که عمل آمده باشد، مانند تهاتر یا پرداخت دین یا ... قابل قبول است.

در بند سوم هم مقید کردن اموال مثالش اینط است: تاجر ورشکسته، ملک خود را به اجاره بگذارد. چون آزادی نقل و انتقال را محدود کرده است، عمل اجاره او باطل خواهد بود.

اگر در دوره دوم، شرایط ماده ۴۲۴ و ۴۲۵ و ۴۲ را داشت نیز شامل معاملات باطل می‌شود. دلیل: قیاس اولویت. به این توضیح که در آنجایی که تاجر هنوز متوقف نبود، معامله باطل می‌شد، اینجا که به طریق اولی باید باطل باشد.

سؤال: در مورد دوره دوم، آیا ماده ۵۵۷ ق.ت را باید اجرا کنیم یا ۴۲۳ را؟

در این باره ۲ نظریه وجود دارد که نظریه اول این است که با توجه به ماده ۵۵۷ ق.ت کلیه معاملات تاجر بعد از توقف باطل خواهد بود. یعنی مقنن در ماده ۴۲۳، سه دسته از معامله‌ها را به‌عنوان مثال عنوان نموده، لیکن در ماده ۵۵۷ کلیه معاملات تاجر را بعد از توقف باطل و بلااثر اعلام کرده است.

نظریه دوم این که باید ماده ۴۲۳ حاکم باشد. یعنی نظریه اول را صحیح نمی‌دانند. ۳ دلیل هم ذکر نموده‌اند:

۱. قانون‌گذار در ماده ۴۲۳ فقط ۳ دسته از تصرفات حقوقی تاجر را بعد از توقف باطل دانسته و اگر کلیه معاملات و قراردادهای تاجر را در این دوره باطل می‌دانست، از ابتدا به‌صورت یک قاعده کلی، حکم به بطلان کلیه قراردادهای تاجر بعد از توقف می‌نمود. نتیجتاً نیازی به ماده ۴۲۳ نمی‌بود.

۲. فرض بر این است که در این دوره، هنوز حکم ورشکستگی تاجر صادر نشده و قانوناً از تصرف در اموال خود ممنوع نگردیده است. لذا نمی‌توان همه اعمال حقوقی وی را باطل دانست.

۳. عنوانی که برای ماده ۵۵۷ وجود دارد، در فصل سوم از باب دوازدهم ق.ت آمده که باب مذکور، در رابطه با ورشکستگی به تقلب بوده و فصل سوم آن در رابطه با جنحه و جنایاتی است که اشخاص غیرتاجر، در امر ورشکستگی مرتکب می‌شوند.

با وجود این ۳ دلیل، نظریه دوم صحیح‌تر به نظر می‌رسد.

ت. دوره سوم: پس از صدور حکم ورشکستگی: ماده ۴۱۸ ق.ت

اگر در معامله‌ای پس از صدور حکم، سود کرده باشد، چیزی در قانون نیست، لذا باید به قانون مادر که قانون فرانسه است رجوع شود (نسبی)

مطلقاً باطل است

نسبی: نسبت به شخص تاجر: غیرنافذ است، به طوری که طلبکاران یا ارگان تصفیه باید تصمیم به نفوذ و عدم نفوذ معامله بگیرند. فقط ذینفع حقوقی می‌تواند درخواست بطلان معامله را بنماید. یعنی فقط طلبکاران یا قائم‌مقام تصفیه.

تأثیر حکم ورشکستگی شرکت تجاری بر شرکا و برعکس

ماده ۱۲۸ ق.ت می‌گوید: ورشکستگی شرکت ملازمه قانونی با ورشکستگی شرکا و ورشکستگی بعضی از شرکاء ملازمه قانونی با ورشکستگی شرکت ندارد.

اصل بر ماده فوق است، اما استثنائات زیادی دارد. برای یافتن استثنائات، باید تک تک شرکت‌ها را به‌صورت جداگانه بررسی کنیم. در ذیل به بررسی شرکت‌ها در جایی که ورشکستگی شرکت، می‌تواند باعث ورشکستگی شرکا شود اشاره می‌شود:

۱. **شرکت تضامنی و نسبی:** مسئولیت شرکا در این نوع شرکت‌ها در شرایط خاصی، بیش از آورده است. در این شرکت‌ها اگر دارایی شرکت پاسخگوی دیونش نبود، هر یک از شرکا در مقابل کل بدهی مسئول است.

اگر یکی از شرکا تاجر باشد، و از پرداخت بدهی متوقف شود، طبق ماده ۴۱۲ ورشکسته محسوب می‌شود.

۲. **شرکت با مسئولیت محدود:** اگر نام یکی از شرکا در اسم شرکت بیاید، مسئولیت تضامنی برای آن شخص ایجاد می‌کند. ماده ۹۵ ق.ت. اگر شریکی نامش آمده، خودش تاجر باشد و از پرداخت دیون متوقف شود، ورشکسته محسوب خواهد شد.

یکی دیگر از موارد ضامن بودن در این نوع شرکت‌ها، تقویم غیرواقعی آورده بود که به اندازه قیمت واقعی آن، ایجاد مسئولیت می‌نمود. مثلاً آورده احمد ۱ میلیون، آورده حسین ۱ اتومبیل که قیمت غیرواقعی تقویم شده به ۳ میلیون تومان، اما قیمت واقعی ۱ میلیون تومان بوده. ما به التفاوت این دو مبلغ ۲ میلیون تومان است. در این صورت به اندازه تفاوت قیمت واقعی و غیرواقعی، پس از ادای دین، مسئولیت خواهد داشت. اگر نتواند مابه‌التفاوت را پرداخت نماید، ورشکسته محسوب خواهد شد.

۳. **شرکت سهامی عام:** سرمایه تبدیل به سهام می‌شود. مسئولیت شرکا محدود به مبلغ اسمی سهام می‌باشد. حق مراجعه به دارایی شرکا وجود ندارد، مگر آنکه تخلفی نموده باشند. مثلاً یکی از وظایف آن‌ها، پرداخت حداقل ۳۵٪ از مبلغ ۲۰٪ تعهد شده می‌باشد. اگر شرکت سهامی عام ورشکسته شد:

ا. در صورتی که مبلغی که بر ذمه آن‌هاست را پرداخت کرده باشند، هیچگونه مسئولیت اضافی ندارند.
ب. در صورتی که مبلغی که بر ذمه آن‌ها بوده را نپرداخته باشند، طلبکاران حق دارند به اندازه تعهدشان به دارایی‌های آن‌ها مراجعه نمایند و هر کدام از افرادی که عنوان تاجر داشته باشند، و از پرداخت مبلغ متوقف شوند، طبق ماده ۴۱۲ متوقف و ورشکسته خواهند بود.

فرض ما برای نپرداختن مبلغ، در صورتی است که ۵ سال فرصت دارند و در همان مدت زمان ۵ ساله ورشکستگی اتفاق افتاده باشد.

۴. **شرکت سهامی خاص:** موسسن از کل سرمایه شرکت، حداقل ۳۵٪ از آن را می‌بایست پرداخت می‌نمودند و ۶۵٪ بر ذمه آن‌ها بود تا وقتی که در اساسنامه معین می‌شد. اگر شرکت سهامی خاص که تاجر محسوب می‌شود، ورشکسته شد:

ا. شرکا آنچه در ذمه دارند را پرداخت کرده باشند = مسئولیتی ندارند.
ب. شرکا ما فی الذمه را نپرداخته باشند = طلبکاران حق مراعه به اموال شرکا را خواهند داشت. حال اگر در بین شرکا، یک تاجر وجود داشته و نتواند دیون خود را بپردازد = متوقف و ورشکسته.

تأثیر ورشکستگی شرکا بر شرکت

اگر شریک شرکت تجاری ورشکسته گردد، آیا بر شرکت تأثیری دارد یا خیر؟

همانطور که در ماده ۱۲۸ مطرح شد، اصل بر عدم تأثیر می‌باشد اما برخی موارد وجود دارد که باید بررسی شود

شریک شرکت ممکن است شخص حقیقی تاجر یا شخص حقوقی تاجر باشد. اگر از پرداخت دیون متوقف شدند، کاری به شرکت ندارد و همانطور که ذکر شد، مدیر تصفیه تعیین و از اموال خود ممنوع‌المدخله خواهند شد.

مدیر تصفیه بخاطر اینکه بخشی از دارایی‌های ورشکسته در شرکت تجاری می‌باشد و بخاطر اصل وحدت دارایی برای اخذ طلب‌ها، به شرکت مراجعه خواهد نمود. اگر شرکا در شرکت‌های نسبی و تضامنی به صورت عادی سهم او را ندهند، می‌تواند درخواست انحلال شرکت را بدهد. ماده ۱۳۶ ق.ت.

در شرکت‌های با مسئولیت محدود، در متن قانون چیزی مشخص نیست، اما از وحدت ملاک قوانین در ماده ۱۳۶ و ۱۳۸ استفاده نموده و دقیقاً همان روش فوق اجرا خواهد شد. اگرچه ورشکستگی یک شریک جزو انحلال شرکت‌های با مسئولیت محدود نیست، ولی از وحدت ملاک می‌توان استفاده نموده و درخواست انحلال آن شرکت را نیز ارائه نمود.

وظایفی که مدیر تصفیه و عضو ناظر برای تصفیه امور ورشکستگی باید انجام دهند:

۱. اقدامات تامینی در مواد ۴۳۳ و ۴۳۴ ق.ت.

این اقدامات عبارت بودند از مهر و موم اموال

لازم به توضیح است که با توجه به ماده ۴۳۹ ق.ت چنانچه شرکتی ورشکسته شود، فقط اموال و دارایی‌های شرکت مهر و موم شده و اموال شرکا (بدلیل استقلال مالی) مهر و موم نخواهد شد. زیرا طبق ماده ۱۲۸ ق.ت ورشکستگی شریک ملازمه قانونی با ورشکستگی شرکا نداشته و بالعکس. مگر اینکه دادگاه، حکم مهر و موم اموال شرکا را نیز صادر کرده باشد.

۲. اداره اموال و وصول مطالبات

پس از صورت برداری، اموال جهت تصفیه در اختیار مدیر تصفیه قرار گرفته تا نهایتاً پس از تشخیص مطالبات، بین طلبکاران تقسیم گردد.

طبقه بندی طلبکاران:

- طلبکاران با وثیقه
- طلبکاران ممتاز
- طلبکاران عادی

۳. تشخیص و تصدیق مطالبات (مواد ۴۶۲ - ۴۶۳ - ۴۶۴ - ۴۶۷ - ۴۶۸ - و بند ۲ ماده ۵۵۱ ق.ت)

نکته: در نظام نامه مواد ۴۴۰ - ۴۴۱ - ۴۵۷ و ۴۶۲ ق.ت مصوب ۱۳۱۱/۰۳/۱۶ مهلتی که برای تشخیص و تصدیق مطالبات مقرر گردیده عبارت‌اند از:

- طلبکاران مقیم محل دادگاه = ۱ ماه از تاریخ نشر آگهی
- طلبکاران برای خارج از محل دادگاه = ۲ ماه از تاریخ نشر آگهی
- طلبکاران خارج از کشور = ۳ ماه از تاریخ نشر آگهی

سؤال: طلبکارانی که در مهلت‌های تعیین شده، مراجعه ننموده و مدارک خود را ارائه نکرده باشند، تکلیفشان چیست؟ ماده ۴۷۳

این طلبکاران برای دیونی که پرداخت شده حق اعتراض ندارند، اما پس از این، اگر تقسیمی صورت بپذیرد، جزو غرما محسوب می‌شوند. بدون اینکه حق حصه ای از تقسیم بندی قبلی داشته باشند.

۴. دعوت از طلبکاران = نشر آگهی بر طبق ماده ۲۴ و ۵۸ قانون تصفیه امور ورشکستگی

دعوت از طلبکاران، از وظایف عضو ناظر و نماینده تصفیه است.

بستانکارانی که دارای وثیقه هستند، از سایر غرما مقدم هستند. با توجه به ماده ۵۸ فوق، طلبکارانی که طلب ن‌ها مورد تصدیق قرار گرفته، همگی در یک ردیف نیستن و به طور کلی در ۳ گروه قرار خواهند گرفت:

أ. **طلبکاران با وثیقه:** طلبکارانی هستند که در قبال طلب خود، اموالی از تاجر را در نزد خود گرو دارند. در خصوص این طلبکاران مطابق ماده ۵۸ فوق و مواد ۵۱۴ تا ۵۲۱ ق.ت عمل می‌شود. در رابطه با این‌گونه طلبکاران، مدیر تصفیه با اجازه عضو ناظر، می‌تواند طلبشان را بپردازد و اموال تاجر ورشکسته را فک رهن نماید.

ب. **طلبکاران ممتاز:** طلبکارانی که حق رجحان دارند. بر اساس بندهای ۱ تا ۴ ماده ۵۸ قانون تصفیه امور ورشکستگی، هر کدام از بندها، نسبت به بند بعدی خود دارای رجحان و تقدم می‌باشند.

طلب‌هایی که دارای وثیقه نیست و همچنین باقی‌مانده طلب‌هایی که دارای وثیقه بوده و تمام آن از فروش وثیقه پرداخت نشده به ترتیب طبقات زیر بر یکدیگر مقدمند و در تقسیم‌نامه حاصل فروش اموال متوقف این تقدم رعایت و قید می‌شود:

طبقه اول:

الف) حقوق خدمه خانه برای مدت سال آخر قبل از توقف؛

ب) حقوق خدمتگذاران بنگاه ورشکسته برای مدت شش ماه قبل از توقف؛

ج) دستمزد کارگرانی که روزانه یا هفتگی مزد می‌گیرند برای مدت سه ماه قبل از توقف.

طبقه دوم: طلب اشخاصی که مال آن‌ها به‌عنوان ولایت یا قیمومیت تحت اداره ورشکسته بوده نسبت به میزانی که ورشکسته از جهت ولایت و یا قیمومیت مدیون شده است. این نوع طلب در صورتی دارای حق تقدم خواهد بود که توقف در دوره قیمومیت یا ولایت و یا در ظرف یک سال پس از انقضای آن اعلام شده باشد.

طبقه سوم: طلب پزشک و داروفروش و مطالباتی که به مصرف مداوای مدیون و خانواده‌اش در ظرف سال قبل از توقف رسیده است.

طبقه چهارم:

الف) نفقه زن مطابق ماده ۱۲۰۶ قانون مدنی؛

ب) مهریه زن تا میزان ده هزار ریال به شرط آن که ازدواج اقلماً پنج سال قبل از توقف واقع شده باشد و نسبت به مازاد جزء سایر دیون محسوب می‌شود.

ت. **طلبکاران عادی** یا همان سایر طلبکاران است که در بند ۵ ماده ۵۸ ق تصفیه امور ورشکستگی آمده است

۵. وظیفه دیگر ارگان تصفیه، دعوت از طلبکاران جهت تشکیل جلسه برای انعقاد قرارداد ارفاقی می‌باشد.

بعد از اینکه طلبکاران تاجر مشخص شدند، توسط عضو ناظر، از آن‌ها دعوت به عمل می‌آید که تشکیل جلسه دهند و تصمیم بگیرند که آیا با تاجر، قرارداد ارفاقی منعقد شود یا خیر؟ اگر جلسه منجر به انعقاد قرارداد ارفاقی گردید، در این صورت اموال تاجر تقسیم نشده، بلکه در اختیار او گذاشته می‌شود تا به فعالیت خود ادامه دهد. در مورد قرارداد ارفاقی دادگاه حق وتو ندارد و تنها باید بررسی کند که نحوه بستن قرارداد ارفاقی طبق تشریفات و صحیح بوده یا خیر.

قرارداد ارفاقی: برای ارفاق به ورشکسته:

طلبکاران در حال حاضر سهم گرمائی خود را از ورشکسته طلب نکنند. اما در مواعد مقرر شده با توافق، طلب را اخذ کنند. این یک ارفاق در حق ورشکسته می‌باشد که باعث می‌شود تاجر ورشکسته از ممنوع المداخله بودن خارج شود. در قرارداد ارفاقی نحوه اخذ طلب تفاوت خواهد کرد:

طلبکاران موافق قرارداد ارفاقی: در مواعد مقرر شده در قرارداد، طلب کامل خود را می‌گیرند.

طلبکاران مخالف قرارداد ارفاقی: فعلاً سهم گرمائی خود را دریافت کرده و کنار می‌روند. تا زمانی که همه طلب‌های طلبکاران موافق پرداخت شود و پس از آن بقیه طلب خود را می‌توانند اخذ کنند.

تشریفات قرارداد ارفاقی: مواد ۴۷۶ - ۴۷۷ - ۴۷۸ ق.ت ذکر شده که مراجعه و مطالعه شود.

شرایط صحت قرارداد ارفاقی:

۱. رعایت تشریفات در مواد فوق الذکر. ماده ۴۷۹

۲. وجود ۲ اکثریت هم‌زمان:

- وجود اکثریت عددی: تعداد نصف + ۱ طلبکاران. ماده ۴۸۰ ق.ت
- وجود اکثریت سهمی: سه‌چهارم از طلب‌های طلبکاران. ماده ۴۸۱ ق.ت

آیا با تاجری که ورشکسته به تقلب است، می‌توان قرارداد ارفاقی منعقد نمود؟ بر طبق ماده ۴۸۳ = خیر

با تاجر ورشکسته به تقصیر چطور؟ بر طبق ماده ۴۸۴ = بله

ماده ۴۸۶ = قرارداد ارفاقی باید به تصدیق محکمه برسد. اعتراض به قرارداد در مواد مربوطه مطالعه شود.

آثار قرارداد ارفاقی = ماده ۴۸۹ ق.ت

همانطور که قبلاً اشاره شد:

- حکم ورشکستگی را به حالت تعلیق درمی‌آورد.
- نسبت به تاجر: از ممنوع المداخله بودن خارج کرده و اموالش در اختیارش قرار می‌گیرد تا به فعالیت خود ادامه دهد.
- نسبت به طلبکاران موافق: این‌گونه طلبکاران فعلاً حصه ای را که قرار بوده بابت طلبشان بگیرند را نمی‌گیرند. در عوض بعداً و در مهلت تعیین شده در قرارداد، کل طلب خویش را دریافت خواهند نمود.
- نسبت به طلبکاران مخالف: طلبکاران مخالف سهم گرمائی خود را دریافت نموده، لکن دیگر حق مطالبه طلب را تا زمانی که تاجر ورشکسته، کل طلب موافقین قرارداد ارفاقی را پرداخت نماید؛ نخواهند داشت.

موارد ابطال قرارداد ارفاقی: ماده ۴۹۰ و ۴۹۲:

۱. در مورد تاجر محکوم به ورشکستگی به تقلب

۲. در جایی که بعد از تأیید و تصویب قرارداد، کشف شود که تاجر، میزان بدهی خود را به صورت واقعی نگفته. یعنی حقیقت ماجرا را به طلبکاران نگفته و حيله و فریب به کار برده باشد.
۳. مخالفین قرارداد ارفاقی در دادگاه اعتراض نمایند و دادگاه اعتراض آن‌ها را موجه دانسته و قرارداد آن‌ها را ابطال کند

فسخ قرارداد ارفاقی: ماده ۴۹۴ و ۴۹۵ ق.ت

آثار نسخ و ابطال قرارداد ارفاقی: مواد ۴۹۸ و ۴۹۹ ق.ت

برای فسخ و آثار قرارداد ارفاقی به مواد فوق‌الذکر مراجعه شود.

آثار فسخ قرارداد ارفاقی:

- اعاده وضعیت ورشکستگی = ممنوع المداخله شدن
- لغو ضمانت‌ها در ماده ۴۹۳: اگر محکمه حکم بطلان قرارداد ارفاقی را بدهد ضمانت ضامن یا ضامن‌ها (در صورتی که باشد) به خودی خود ملغی می‌شود.
- تعقیب تاجر متقلب: اگر بخاطر تقلب یا حيله تاجر قرارداد ارفاقی ابطال شود، تاجر تحت تعقیب کیفری قرار می‌گیرد.
- تقسیم اموال تاجر بین طلبکاران ماده ۵۰۱ ق.ت

از زمان تصویب قرارداد ارفاقی تا زمان ابطال، هر اقدامی که صورت گرفته حمل بر صحت می‌شود = ماده ۵۰۰ ق.ت

۶. وظیفه بعدی ارگان تصفیه فروش اموال تاجر ورشکسته و انجام معاملات لازم است. ماده ۴۵۷ و ۵۱۰ ق.ت مطالعه شوند.

۷. وظیفه دیگر ارگان تصفیه تقسیم اموال تاجر ورشکسته در بین طلبکاران خواهد بود. مواد ۵۲۲ تا ۵۲۷ ق.ت

با توجه به مواد مذکور، پس از فروش اموال تاجر، ابتدا هزینه امور ورشکستگی مثل حق الزحمه مدیر تصفیه و هزینه‌های مختلف از قبیل نشر آگهی و ... کسر شده؛ و مابقی اموال بین طلبکاران تقسیم می‌شود.

البته همانطور که ذکر شد ترتیب ماده ۵۸ قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی باید رعایت شود، یعنی ابتدا طلبکاران با وثیقه، سپس طلبکاران ممتاز و مابقی بین سایر طلبکاران تقسیم می‌شود.

اعاده اعتبار:

واقعی: مواد ۵۶۱ تا ۵۶۵ ق.ت

قانونی: مواد ۵۶۵ تا ۵۷۵ ق.ت مواد مربوطه حتماً مطالعه شوند.